

بررسی رابطه سرمایه اقتصادی با سازه مدارا در بین شهروندان شهر مشهد

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

شناسه دیجیتال: DOI:10.22034/JEDS.2021.45615.1516

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۵

فاطمه گلایی*^۱

محمد باقر علیزاده اقدام^۲

توکل آقایاری هیر^۳

شاپور زردموی اردکلو^۴

چکیده

مدارا به معنی تحمل تنوع ذاتی گروه‌های بزرگ اجتماعی، می‌تواند به عنوان یک اثر سینرژیک ویژگی‌های فردی و محیطی اقتصادی اجتماعی در نظر گرفته شود. این مقاله پژوهشی درصدد است تا نشان دهد چگونه متغیرهای اقتصادی همچون متوسط درآمد، منطقه سکونت و... می‌توانند بر میزان مدارا در بین شهروندان موثر واقع شوند. از این رو، برای سنجش مدارای اجتماعی در جامعه مورد مطالعه با استفاده از روش پیمایشی و مقیاسی چند بعدی بر پایه مدل کینگ (با ابعاد مدارای فردی، اجتماعی، سیاسی، جنسیتی، مذهبی) پرداخته و با احتساب حجم نمونه به میزان ۴۰۰ نفر، جمعیت نمونه از افراد ۱۵ سال به بالای شهر مشهد به وسیله نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده است. با استفاده از پرسشنامه به جمع‌آوری داده‌ها اقدام شده و داده‌ها به وسیله نرم‌افزارهای مرتبط تحلیل و گزارش شده‌اند. بر اساس یافته‌های تحقیق، در جامعه مورد مطالعه، میزان شاخص کل مدارا در سطح متوسط است. در حالی که میزان سرمایه اقتصادی پایین گزارش شده است. در بین ابعاد شاخص مدارا، مدارای فردی و اجتماعی در سطح متوسط به بالا و مدارای جنسیتی و مدارای سیاسی در سطح پایین قرار دارند. با این حال، بین میزان سرمایه اقتصادی و میزان مدارا در بین شهروندان رابطه مثبت وجود دارد. دو متغیر اعتماد تعمیم یافته و مشارکت اجتماعی در بهبود میزان مدارا در بین شهروندان موثر هستند. بدین ترتیب که شهروندانی که سرمایه اقتصادی و در نتیجه منابع بیشتری برای شرکت در فعالیت‌های انجمنی و ایجاد روابط مداوم با سایر شهروندان دارند از اعتماد تعمیم یافته‌تری نیز برخوردار بوده و انعطاف بیشتری در مقابل پذیرش تفاوت‌ها از خود نشان می‌دهند.

واژگان کلیدی: مدارا، سرمایه اقتصادی، مشارکت اجتماعی، اعتماد

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز و عضو قطب علمی جامعه‌شناسی سلامت دانشگاه تبریز، تبریز ایران. (نویسنده مسئول)

f.golabi@tabrizu.ac.ir

aghdam1351@yahoo.com

t.aghayari@tabrizu.ac.ir

sh.zardmuie@gmail.com

۲. استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز و مدیر قطب علمی جامعه‌شناسی سلامت دانشگاه تبریز، تبریز ایران.

۳. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز ایران.

۴. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز، تبریز ایران.

مقدمه و بیان مسأله

جامعه یک شبکه پیچیده از تعامل بین اعضای آن است. به منظور تسهیل و به عنوان واسطه چنین تعاملاتی، اعضای جامعه نهادها و سازوکارهای تعاملی ایجاد می‌کنند، مجموعه‌ای از قوانین مشترک را ایجاد می‌کنند، پارادایم‌های فرهنگی را به عنوان ابزاری برای ارزش‌گذاری و توجیه اهداف اجتماعی و طراحی معماری محیط اجتماعی ترسیم می‌کنند. در طی فرایندهای مربوطه، افراد دیدگاه‌ها، ایده‌ها، عقاید، عادات و الگوهای رفتاری ذاتی خود را با یکدیگر درگیر می‌کنند و به اشتراک می‌گذارند. ویژگی‌های سازنده چنین عناصری ممکن است به طور قابل توجهی متفاوت باشد. با این حال، این ویژگی‌ها ممکن است مکمل یکدیگر نیز باشند. از این رو، توسعه پایدار اجتماعی به هم‌افزایی مداوم توانایی‌های متمایز فردی بستگی دارد. شرط اصلی برای چنین هم‌افزایی، پذیرش تمایز افراد نه تنها به عنوان امری قابل تحمل، بلکه طبیعی و مطلوب است (دیما، ۲۰۱۵: ۲).

هدف از نگارش این مقاله آن است که نشان دهد چگونه مدارا، با توانایی عمومی برای پذیرش تنوع‌ها، تحت تأثیر توزیع ثروت قرار دارد. همان‌طور که تابلینی^۲ (۲۰۱۰) و فلوریدا^۳ (۲۰۰۶) بیان می‌کنند، رفتار عدم مدارا، رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی را از طریق کاهش اعتماد و همکاری بین کارگزاران اقتصادی، ممانعت از حرکت آزاد ایده‌ها و استعدادها و حمایت از فساد و قیومیت سیاسی تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، بیورنسکوف^۴ (۲۰۰۴) در مورد اهمیت مدارا در افراد برای رشد اقتصادی بحث کرده و نشان می‌دهد که نابرابری باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود، اما در جوامعی که مردم این نابرابری را نسبتاً ناعادلانه می‌دانند، این تأثیر بیشتر است.

همان‌طور که گفته شد، مدارا، به عنوان یک پدیده اجتماعی، می‌تواند بر روندهای مختلف مربوط به رشد اقتصادی موثر باشد و این امر نیز به نوبه خود بر سیمای مؤلفه‌های طراحی اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. همان‌طور که لی^۵ (۲۰۱۴) استدلال می‌کند، مدارا نشان دهنده عنصر اصلی یک فرهنگ سیاسی دموکراتیک و نشانگر انسجام اجتماعی است.

مدارای اجتماعی را می‌توان محصول فرعی خصوصیات محیط اجتماعی و سیاسی دانست. وضعیت دموکراتیک، نهادها و سازوکارهای اجتماعی درگیر در تعامل افراد و گروه‌های اجتماعی، هنجارها، قوانین و ارزشهای مشترک به طور خاص تعدیل‌کننده تعاملات بین اعضای جامعه است. سطح مشخصی از مدارا را می‌توان از طریق یادگیری بین نسلی منتقل کرد و از طریق

1.
2. Tabellini
3. Florida
4. Bjornskov
5. Lee

آموزش و تجربیات زندگی افراد به دست آورد. همچنین، مقدار معینی از مدارا تحت تاثیر روابط پیچیده بین افراد طی فعالیت اقتصادی و فرایندهای اجتماعی مرتبط با آن، ایجاد می‌شود. چنین فعالیت‌هایی فقط حمایت مادی برای موجودیت جامعه فراهم نمی‌کند بلکه پویایی اجتماعی و پیکربندی زمینه اجتماعی را نیز متاثر می‌سازد. در نتیجه، وضعیت اقتصادی یک جامعه با نحوه پیوند اعضای آن مرتبط است.

به طور کلی می‌توان گفت، مدارای اجتماعی در پیوند با توسعه اقتصادی افزایش می‌یابد: «اگرچه ارتباط مستقیمی بین منابع اقتصادی و عملکرد این مؤلفه‌ها وجود ندارد، اما کشورهای با درآمد بالا بطور قابل توجهی از کشورهای کم درآمد و کشورهای دارای درآمد متوسط در زمینه مدارای اجتماعی پیشی می‌گیرند» (پورتر^۱، ۲۰۱۵: ۷۳).

سبک‌های مختلف توزیع درآمد می‌تواند به سطح بیشتری از رقابت اجتماعی (برای دستیابی به مشاغل، مزایای اجتماعی، مراقبت‌های بهداشتی، دسترسی به تحصیلات و شرایط زندگی بهتر) یا حتی تقابل (برای کسب وضعیت اجتماعی بالاتر و موقعیت‌های مسلط اجتماعی) منجر شود. یا بر عکس، ممکن است افزایش انسجام اجتماعی را تسهیل کند (دیما، ۲۰۱۵: ۵).

از این رو، مقاله حاضر داده‌هایی تجربی برای اثبات یا عدم اثبات این نظریه فراهم می‌کند که آیا می‌توان مدارای اجتماعی را با استفاده از مؤلفه‌های اجتماعی سرمایه اقتصادی همچون نحوه توزیع درآمد در جامعه و ارزشیابی خود و دیگران توسط افراد در قالب این سرمایه توضیح داد یا خیر.

در خصوص وضعیت مدارا در کشورمان، آمار و اطلاعات وثیقی در اختیار نیست. از این رو، به برخی از آمار رسمی کشور و مطالعات دانشگاهی که می‌تواند تا حدودی وضعیت را روشن نماید، اشاره می‌شود: بر اساس سالنامه آماری سال ۱۳۹۵ خراسان رضوی با داشتن ۷۴۹۹۵ مورد نزاع فردی و ۲۹۰ مورد نزاع دسته‌جمعی بعد از تهران در رتبه دوم از حیث تعداد نزاع قرار دارد (سالنامه آماری، ۱۳۹۵: ۵۵۸). بر اساس آمار رسمی سازمان پزشکی قانونی خراسان رضوی (۱۳۹۸)، میانگین آمار نزاع در این استان طی ۱۰ سال گذشته حدود پنج درصد افزایش داشته است (سایت سازمان پزشکی قانونی کشور^۲). این افزایش خشونت خود نشان دهنده تبعات اولیه و آشکار فقدان و یا کاهش مدارا در بین شهروندان می‌باشد. بنابراین، مدارا امکان همزیستی مسالمت‌آمیز افرادی را که دیدگاه‌های متفاوتی دارند، در یک جامعه واحد فراهم آورده است زیرا عدم نهادینه شدن روحیه مدارا در کنشگران طیف گسترده‌ای از تعارضات را به وجود آورده است که دامنه آن از سطح برخوردهای محدود میان کنشگران فردی آغاز و تا سرکوب و حذف عقاید

1. Porter

2. http://www.lmo.ir/web_directory/54011-%D9%86%D8%B2%D8%A7%D8%B9.html

متفاوت در سطح ساختارهای وسیع‌تر مانند جوامع و دولت‌ها ادامه می‌یابد. ما هر روزه شاهد بروز خشونت به اشکال مختلف به صورت لفظی و کلامی همچون دشنام، داد و فریاد و غیره و یا حتی خشونت جسمانی ملایم و شدید از هل داد، ضرب و جرح تا قتل، در اطراف خود هستیم (تریاندیس^۱، ۱۹۹۶: ۲۵). یافته‌های مطالعات دانشگاهی نشان می‌دهد عدم اشتغال و ضعف مالی (نظری، ۱۳۸۶)، احساس محرومیت نسبی (حسین‌زاده، ۱۳۹۰) و فقر (داوری، ۱۳۹۲) از عوامل موثر در گرایش به نزاع است.

بر اساس مطالعه‌ای در سال تحصیلی ۱۳۸۳-۱۳۸۴ در بین دانشجویان، محقق اردبیلی میزان مدارای دینی در بازه (۰-۳) ۲/۱۰، مدارای ملیتی ۲/۴۷، مدارای قومیتی ۲/۶۴، مدارای سیاسی ۲/۱۳ و مدارای با مجرمان ۲/۳۱ بوده است. در همین تحقیق کل مدارای اجتماعی ۱/۹۲ بوده است (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۳۰). در مطالعه دیگری در بین ساکنان بالای ۱۸ سال شهر اصفهان، مدارای اجتماعی زنان برابر با ۱۰۷ و مردان برابر با ۱۰۶ بوده است (بازه نمره ۳۴-۱۷۰) (ادیبی سده و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶۸). مطالعه دیگری در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸ حاکی از آن است که مدارای اجتماعی ۳/۸، مدارای سیاسی ۴/۵، مدارای اخلاقی-رفتاری ۳/۲ در بازه ۱-۵ می‌باشد (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۰).

همان‌طور که مشاهده می‌شود میزان مدارا و ابعاد آن در مطالعات مختلف نشان از پایین بودن میزان مدارا است. از این رو، مطالعه حاضر در صدد است تا نشان دهد آیا سرمایه اقتصادی و مولفه‌های آن می‌تواند در افزایش میزان مدارا موثر واقع شود یا خیر.

مبانی نظری تحقیق

مدارا

واژه «مدارا» در زبان‌های اروپایی، از ریشه‌ی لاتین «تولوو^۲» به معنای تحمل کردن، اجازه دادن و ابقا کردن است. این واژه با مصدر «تولوو^۳» به معنای حمل کردن یا بردن و اجازه دادن است (ژاندرن، ۱۳۷۸: ۱۷) و در معنای جدید غربی آن، بیشتر برای ویژگی روش سیاسی حکومت به کار می‌رود تا شیوه‌های اخلاقی یا دینی. درحالی‌که تساهل و تسامح یا مدارا در ادبیات فارسی، بیشتر مفهومی اخلاقی است تا سیاسی. اما این واژه در فارسی به معنای تساهل، تسامح، مدارا، شکیبایی و تحمل ترجمه شده است. (فولادی، ۱۳۷۹: ۱۰۰).

پیر بیل^۴ نخستین فردی بود که در غرب نظریه تساهل را در کتابی به نام «مجبورشان کن تا بگروند» در دفاع از مدارای مذهبی ارائه کرده است. او باور به دین را برداشت و خداوند را

1. Triandis
2. Tolero
3. Tollo
4. Perre Bayle

دیدگاهی شخصی و ذهنی می‌دانست و معتقد بود که چون خرد انسان فاقد قابلیت مطلق است پس یک راه وجود دارد و آن پذیرش «اصل عدم ایقان» است. عده‌ای از صاحب‌نظران این تعریف را بنیاد نظری و عملی مدارا قلمداد می‌کنند (رضوی، ۱۳۹۲).

جان لاک که در سال ۱۶۸۷ چشم‌انداز نظری خود را در کتابی تحت عنوان رساله‌ای در باب تساهل به رشته تحریر درآورد ابتدا باید سد بزرگ عدم تساهل در اروپا و به ویژه در انگلستان را از سر راه برمی‌داشت. جایگزینی تجربه و احساس فردی به جای مرجعیت سنت‌ها و عقاید تثبیت شده، کمک شایانی به روح فردگرایی و تکثر و تساهل می‌کرد. عدم خشونت که در اندیشه لاک به صورت تساهل مذهبی نمود می‌یابد عبارت است از قبول و پذیرش آنچه که قبول نداریم و به آن معترضیم، اما این اعتراض همواره معطوف به یک نوع خویش‌تنداری و صیانت خود از طرد و انهدام یک تفکر یا یک اندیشه است (لاک، ۱۳۷۷: ۷). او می‌خواهد وظایف دولت و کلیسا و نیز وسایلی را که قانوناً در اختیارشان گذاشته، را به تناسب هدفی که هر یک دنبال می‌کنند، از هم جدا سازد. بنا بر گفته وی، اشخاص، کلیساها و حتی دولت به بهانه دین، حق تجاوز به حقوق مدنی و مواهب دنیوی دیگران را ندارند و قدرت فرمانروا نیز تا بدان جا نمی‌رسد که بتواند با استفاده از نیروی قوانین خود، احکام ایمان و اشکال عبادات را معین کند (لاک، ۱۷۷؛ شریفی: ۲۲). بنابراین، لاک تنها وظیفه حاکم یا دولت را تأمین امنیت، سلامت، حفظ جان و مال مردم می‌داند و ایمان اجباری را بی‌پایه و پیامد زور در تحمیل مسائل دینی ریاحی می‌داند (سادا - ژاندرن، ۱۳۷۸: ۹۹-۱۰۰) بنابراین، استدلال لاک در تأیید تساهل، استدلالی اساساً سیاسی است و نه دین پژوهانه (سادا - ژاندرن، ۱۳۷۸: ۷۸).

مفهوم تساهل در اندیشه میل^۱ به کمال خود رسید. او خطوطی را که لاک در باب تساهل ترسیم نموده بود را با قوت بیشتری دنبال کرد و اغلب محدودیت‌هایی را که جان لاک برای مفهوم تساهل قائل شده بود، کنار گذاشت. به نظر میل، تنها توجیه برای دخالت در آزادی دیگران و عدم تساهل این است که به واسطه این اعمال، آزادی دیگران به خطر افتد (گلشاهی، ۱۳۷۷: ۳۴). استوارت میل خطوطی را که جان لاک در باب مسئله مدارا ترسیم نموده بود را با این اعتقاد که مدارا امری اخلاقی است و لازمه آن، وجود تعدد در مکاتب است با قوت بیشتری پیگیری کرد. مبنای تفکر میل مبنی بر پلورالیسم است بدین دلیل که معتقد است نه تنها تنوع باید وجود داشته باشد بلکه دولت نیز باید در حفظ و بسط آن بکوشد همچنین مؤکد آن است که اگر انسان‌ها بخواهند خودمختار باشند باید حق انتخاب داشته و این حق انتخاب ممکن نیست مگر در جامعه‌ای که تنوع و تعدد افکار وجود دارد (بهشتی، ۱۳۷۶: ۲۵-۲۶؛ شریفی، ۱۳۹۲: ۲۳)

1. John Stuart Mill

گرامشی^۱ نیز مدارا اعتقاد را نه موضعی کاملاً نظری و فضیلتی اخلاقی یا نمایانگر تکلیف احترام به دیگری می‌داند، بلکه آن را به عمل مؤثر (پراکسیس^۲) ربط می‌دهد، بدین معنا که آن را شرط تعهد گروه اجتماعی و عمل سیاسی و نقطه‌مقابل بی‌تفاوتی می‌داند، با این دید مدارا از نظر گرامشی، روش گفت و شنود بین انسان‌هاست، انسان‌هایی که در اساس با هم توافق دارند و می‌کوشند تا بین اصول مشترک علمی خود و عملی که باید مشترکاً انجام دهند هماهنگی ایجاد کنند. اما آن چه را که گرامشی بر آن تاکید می‌کند این است که در مورد خطا و اشتباه هیچ مدارایی نمی‌تواند وجود داشته باشد، زیرا اگر کسی در اشتباه باشد و از گفت و شنود سرباز زند، به این بهانه که هر کس حق دارد همان گونه بیندیشد که خود می‌خواهد و درست می‌داند، دیگر نمی‌توان با او مدارا کرد، زیرا آزادی اندیشیدن مساوی با آزادی خطا کردن و در اشتباه بودن نیست (سادا - ژاندرون، ۱۳۷۸: ۲۱۴-۲۱۷)

از منظر جامعه‌شناختی، جامعه‌شناسانی از جمله کینگ^۳ تحمل و مدارا را بخشی از سرمایه اجتماعی می‌دانند. سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی دو مفهوم درهم تنیده‌اند. بنابراین، بدون تحمل و مدارا نمی‌توان از سرمایه انسانی استفاده مطلوب نمود. هنگامی که افراد اعتماد متقابل و روابط مبتنی بر همکاری داشته باشند، کار گروهی به شکل موثر انجام خواهد گرفت. روابط انسانی مطلوب، تعیین‌کننده سطح عملکردی سازمان‌های جامعه است. به این ترتیب، جوامع و سازمان‌هایی که تحمل و مدارای بیشتری دارند، دارای افراد با سرمایه انسانی بیشتر هستند و موجب ایجاد زمینه رسیدن به وضعیت رضایت‌نسیبی، جذب افراد دارای افکار گوناگون و استفاده موثرتر از سرمایه‌های فکری و انسانی در سازمان می‌گردند؛ در حالی که تحمل و مدارا نکردن موجب از دست رفتن بخش عظیمی از منابع انسانی در جامعه می‌شود. کینگ مفهوم مدارا را از رفتارهای مشابه با رفتار مداراگرایانه تفکیک می‌کند و برای مدارا سه بعد مدارای هویتی (اعمال مدارا نسبت به ویژگی‌های دیگران مانند ملیت، دین و قومیت و...)، مدارای سیاسی و مدارای اخلاقی_ رفتاری را در نظر گرفته است (روزبهانی، ۱۳۹۸).

از دیدگاه هابرماس «تنها وقتی می‌توان از مدارا سخن گفت که همه کسانی که در آن مشارکت می‌کنند، نفی و طرد کردن خود را به نحوی عاقلانه بر اختلاف معرفتی اعتقادات و مواضع که همیشه تداوم خواهد یافت استوار کنند» (نظام بهرامی، ۱۳۸۱: ۱۰۲) از منظر هابرماس، مدارا زمانی حاصل می‌شود که مباحثه‌کنندگان در زیست جهان با همدیگر بحث کنند و هر فردی (فارغ از هر تقسیم‌بندی) این امکان را داشته باشد که در گفتگوی آزاد شرکت داشته باشد. وی در این باره معتقد است که «می‌توان اظهار کرد که زیست جهان مکان متعالی است که گوینده و شنونده در آن با یکدیگر مواجه می‌شوند و به طور متقابل ادعا می‌کنند که سخنانشان با جهان

1. Antonio Gramsci

2. Praxis

3 King

شان متناسب است و این همان جایی است که آنها می‌توانند اعتبار این دعوی‌های خود را مورد انتقاد و تایید قرار دهند، عدم سازش‌ها و توافق‌های شان را حل و فصل کنند و به سازش‌هایی دست یابند» (هابرماس، ۱۹۸۷: ۱۲۶).

فلوریدا (۲۰۰۳: ۱۰) مدارا را این‌گونه تعریف می‌کند: «باز بودن، فراگیر بودن و پذیرش گوناگونی قومیت‌ها، نژادها و همه راه و رسم‌های زندگی». در حالی که برای کرنو و ژان^۱ (۲۰۰۹: ۶۹۱)، مدارا نشان دهنده «احترام به تنوع» و ویژگی «مشخص» جوامع غربی مدرن است، که آنها را به روشنی از جوامع سنتی متمایز می‌کند.

مدارا، آزاد گذاشتن دیگران برای داشتن ویژگی‌های شخصی یا نگهداری عقاید و اعمالی را توصیف می‌کند که دیگران آن را به عنوان عملی اشتباه یا تنفرانگیز در نظر می‌گیرند (دنيس^۲، ۲۰۰۷: ۳). به عبارت دیگر عمل مدارا زمانی معنا دارد که امکان استفاده از زور و خشونت وجود داشته باشد. تحمل و مدارا به معنی توجه به دیگران و یادگیری از آنها، ارزشمند شمردن تفاوت‌ها، پل زدن بر شکاف‌های فرهنگی، پذیرفتن اندیشه‌های قالبی غیرمنصفانه، کشف زمینه‌های مشترک و ایجاد متحدان جدید است (لاینس^۳، ۲۰۰۶: ۲). وگت^۴، مدارا را خویشتن داری در برابر چیزی که دوست نداریم یا چیزی که نسبت به آن احساس تهدید می‌کنیم، می‌داند. او معتقد است که ما معمولاً برای حفظ یک گروه اجتماعی یا سیاسی، ترویج هماهنگی در گروه این راه را انتخاب می‌کنیم (ولهارد^۵، ۲۰۰۸: ۱۴۵). هازاما^۶ (۲۰۱۰) مدارا را به عنوان تمایل به کنار گذاشتن و یا چشم‌پوشی از ایده‌ها و گروه‌های مخالف تعریف می‌کند. مدارا چیزی فراتر از پاسخ‌های منفی سرکوب کننده و تمرین خویشتنداری است. به نظر می‌رسد تحمل توأم با احساس مطلوبیت و رضایت است چرا که به افراد اجازه می‌دهد به روش‌هایی که دیگران با آن مخالفند، بیان‌نشدند و عمل کنند (دیچکر و کومن^۷، ۲۰۰۷). بدین ترتیب مدارا به عنوان فضیلتی اجتماعی و قاعده‌ای سیاسی، امکان همزیستی صلح‌آمیز افراد و گروه‌هایی را فراهم می‌کند که دیدگاه‌های متفاوتی دارند و با روش‌های متفاوت در جامعه‌ای واحد زندگی می‌کنند (گالتوتی^۸، ۲۰۰۲).

وگت (۱۹۹۷) مدارا را یک «گرایش رفتاری^۹» در نظر می‌گیرد؛ یعنی نگرش را از خلال رفتار درمی‌یابد که در این معنا، مفهوم فوق در مقابل «نگرش^{۱۰}» قرار می‌گیرد (فلیپس^{۱۱}، ۲۰۰۴).

1. Corneo and Jeanne
2. Dennis
3. Lyness
4. Vogt
5. Vollhardt
6. Hazama
7. Dijker, Koomen
8. Galeotti
9. Behavioral Disposition
10. Attitude
11. Phelps

۲۴). سازه مدارا در نظر وگت از سنت علوم سیاسی می‌آید که می‌پرسد: مدنیت چه نیازهایی دارد؟ پاسخی که دانشمندان علوم سیاسی از جمله وگت به این سؤال می‌دهند این است که اساسی‌ترین ضرورت برای نگهداری جامعه مدنی، مداراست (فلیس، ۲۰۰۴، کولسنت، ۱۹۹۷). وی بر اساس کار سولیوان، پیرسون و مارکوس (۱۹۸۲) نشان می‌دهد مدارا شامل نگرش منفی نسبت به دیگران و حمایت از حقوق و آزادی‌های آنها به طور همزمان است. در نظر وی اگر این دو جزء به‌طور همزمان ارائه نشوند، مدارا وجود ندارد. در توصیفی که وگت از مدارا ارائه داده کارهای قدیمی‌تر از قبیل کریک (۱۹۷۱)، کینگ (۱۹۷۶) و کُریِت (۱۹۸۲) را با هم ادغام کرده است (فلیس، ۲۰۰۴: ۲۵).

وگت مدارا را به سه دسته تقسیم می‌کند که با یکدیگر همپوشی دارند: مدارای سیاسی، اخلاقی و اجتماعی (فلیس، ۲۰۰۴، کولسنت، ۱۹۹۷). منظور او از مدارای سیاسی به خودداری ارادی در مواجهه با عمل افراد در فضای عمومی یا احترام به آزادی‌های مدنی دیگران است (فلیس، ۲۰۰۴: ۲۶). به عبارت دیگر مدارای سیاسی به خودداری ارادی در مواجهه با عمل افراد در فضای عمومی زندگی اشاره دارد که مورد علاقه و توافق نباشد (کولسنت، ۱۹۹۷: ۴). مدارای اخلاقی نیز حاکی از مدارا نسبت به اعمال دیگران در فضای خصوصی است (فلیس، ۲۰۰۴: ۲۶). به عنوان مثال آیا اعمال افرادی که از نظر جنسی غیرهمنوا هستند، باید توسط قانون محدود شود؟

تفاوت میان مدارای سیاسی و اخلاقی مربوط به حقوقی می‌شود که به دلیل توافق شهروندان بر سر پیروی از قراردادهای اجتماعی به آنها واگذار شده است. منظور از قرارداد اجتماعی، توافق میان شهروندانی است که نسبت به سهمیه‌های مختلف برای ساختن «خیر عمومی» مدارا می‌کنند که این در مقابل آزادی کامل افراد برای دنبال کردن زندگی مورد علاقه شان قرار دارد. خیر عمومی، خیری است که برای سود تمام شهروندان ساخته می‌شود... و محصول گفتمان منطقی درباره این مطلب است که حق «ما» به عنوان گروهی که اجتماع معینی را بنا نهاده‌اند، چیست؟ (کولسنت، ۱۹۹۷: ۴)

به طور کلی می‌توان گفت مدارای سیاسی نسبت به کسانی به کار می‌رود که در پی ایجاد خیر عمومی هستند و مدارای اخلاقی، نسبت به کسانی است که خارج از فضای خیر عمومی، به دنبال ایجاد زندگی خوب برای خود هستند.

منظور وگت از مدارای اجتماعی مدارا نسبت به حالت‌های مختلف انسان بودن است، چه ویژگی‌هایی که از هنگام تولد همراه افراد است مانند رنگ پوست و جنسیت، و چه آنهایی که در طول زندگی از طریق فرایند اجتماعی شدن کسب می‌شوند مانند زبان صحبت کردن (فلیس، ۲۰۰۴: ۲۵، کولسنت، ۱۹۹۷: ۵).

وگت اشاره می‌کند این ویژگی‌ها موضوع مدارا یا عدم مدارا نیستند بلکه اعمال و رفتارهایی که با ویژگی‌های معینی از افراد در ارتباط هستند، ممکن است به وسیله تصورات قالبی مناسب یا نامناسب متصور شوند و در نتیجه مورد مدارا واقع شوند یا نشوند (فلیس، ۲۰۰۴: ۲۶).

چیکرینگ و ریسر (۱۹۹۳) در بررسی آنچه آنها نیز مدارا نامیده‌اند، منحصراً روی آنچه وگت در قلمرو اجتماعی مدارا قرار می‌دهد، تمرکز کرده‌اند؛ اگرچه آنها اساساً روی مدارای اجتماعی تمرکز کرده‌اند اما مدارا نسبت به عقاید و اعمال دیگران هم در عرصه خصوصی و هم در عرصه عمومی را نیز برشمردند که با مدارای سیاسی و اخلاقی در نظر وگت همپوشی دارد. آنها به مدارا به عنوان حضور دو موقعیت توجه کرده‌اند: بین فرهنگی و بین فردی. به علاوه آنچه آنها به عنوان مدارا در نظر می‌گیرند با سازه وگت متفاوت است. آنها به جای اینکه روی رفتار تأکید کنند بیشتر روی «گرایش» متمرکز شده‌اند (فلیس، ۲۰۰۴). از نظر چیکرینگ و ریسر افرادی که مدارا جو هستند تنها مشکلات و ناملایمت‌ها را تحمل نمی‌کنند بلکه علاوه بر آن، به افراد متفاوت از خود با آغوش باز خوش آمد می‌گویند و حتی در جستجوی صمیمیت اجتماعی^۱ با آنها هستند که این به ما در تشخیص سازه آنها از حوزه مدارای سیاسی در نظر وگت کمک می‌کند. (عسگری، ۱۳۸۸)

اسکارمن^۲ (۱۹۸۷) نیز به نوبه خود، مدارا را به دو دسته مدارای مثبت و مدارای منفی تقسیم کرده است. مدارای منفی به معنای عدم مداخله در امور مردم و رها کردن مردم به حال خودشان معرفی شده است. بر پایه این نظر، هر فرد در ارتباط با مسائل مختلف زندگی، گزینش‌ها و تصمیم‌گیری‌ها دارای آزادی کامل است و افراد حق دخالت در محدوده آزادی فرد را ندارند (همان). از طرف دیگر، مدارای مثبت به معنی پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های مردم برای دستیابی به اهداف زندگی و برخورداری آنها، به ویژه اقلیت‌ها، از فرصت‌های برابر در جامعه است. در سایه به کارگیری مدارای مثبت، مردم می‌توانند به مدد خدمات اجتماعی و اقتصادی که از سوی دولت ارائه می‌شود، از امکانات موجود در جامعه بهره‌مند شوند (افشانی، ۱۳۸۱).

پیتر کینگ (۱۹۷۶) مدارا را برحسب موضوع، به سه دسته هویتی، سیاسی و رفتاری تقسیم کرده است. این تقسیم‌بندی بدین ترتیب است:

۱- مدارای هویتی یعنی اعمال مدارا نسبت به ویژگی‌هایی که اختیاری نیستند که خود شامل مدارا نسبت به هویت‌های مختلف از قبیل ادیان مختلف، ملیت‌های گوناگون و قومیت‌های متمایز می‌شود؛

۲- مدارای سیاسی که ناظر به قبول حق برای گروه‌هایی است که مورد تأیید فرد نیستند؛

1. Social Closeness
2. Scarman

۳- مدارای رفتاری که خود ناظر به سه نوع مداراست: مدارا در الگوهای روابط جنسیتی، مدارا نسبت به جرم، و مدارا نسبت به مجرمان (سراجزاده و دیگران، ۱۳۸۳ و بشیریه، ۱۳۸۳).

گلد اشمیت^۱ (۱۹۷۲) نیز به تقسیم‌بندی مدارا اقدام کرده و مدارای اجتماعی را به لحاظ تحلیلی به دو دسته فعال و منفعل تقسیم کرده است؛ مدارای فعال نیز به نوبه خود به دو دسته انتزاعی و عینی تقسیم می‌شود. مدارای فعال انتزاعی بدین معنی است که فرد به لحاظ شفاهی معتقد به مدارا نسبت به دیگران متفاوت باشد و زمانی که فرد علاوه بر اینکه شفاهاً معتقد به مدارا نسبت به دیگران بود عملاً نیز مدارای خود را نشان داد، تبدیل به مدارای فعال عینی می‌شود. مدارای منفعل نیز حکایت از نوعی بی‌تفاوتی افراد نسبت به یکدیگر دارد مانند شهروندانی که در خیابان تردد می‌کنند بدون اینکه به یکدیگر توجه کنند.

به اعتقاد گلد اشمیت، اگر توسعه اجتماعی و توسعه در سایر عرصه‌ها با موفقیت صورت گرفته باشد، مدارای منفعل باید به مدارای فعال تبدیل شود. همچنین، وی معتقد است ادامه روند توسعه اصول جامعه‌پذیری مجدد، به عنوان تشخیص ضوابط جنایی، بدون در نظر گرفتن پیشینه این نوع مدارا خطرناک است؛ مدارای منفعل، ناکامی و بی‌علاقگی، همگی حاکی از این است که واکنش‌های خشونت‌آمیز، دوباره گسترش خواهند یافت (گلد اشمیت، ۱۹۷۲: ۱۶۱).

محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی، متغیرهای گوناگونی را معرفی کرده‌اند که توانایی اثرگذاری بر مدارا و افزایش و کاهش آن را دارا هستند. در ادامه نظریات مورد نظر در این پژوهش و نحوه اثرگذاری آنها بر مدارا به طور اجمال مورد بررسی قرار گرفته است.

سرمایه اقتصادی

از جمله عوامل تاثیرگذار بر میزان مدارا سرمایه اقتصادی است. مارکس برای «شیوه تولید و شرایط زندگی مادی» انسان‌ها در جریان تحولات تاریخی - اجتماعی، نقشی بنیادین و زیربنایی قائل است. در اندیشه مارکس، مالکیت خصوصی و تقسیم کار ناشی از تحول در نیروهای تولید و دستیابی به مازاد تولید عامل اصلی قشربندی و نابرابری اجتماعی است. بدین ترتیب از دیدگاه مارکس، تفاوت در رتبه اجتماعی و مالکیت، منزلت و درآمد، تنها نتیجه ثانوی تمایز و تفکیک اجتماعی است. بنابراین می‌توان از بازسازی افکار وی در خصوص جامعه سرمایه‌داری این نتیجه را گرفت که مالکیت خصوصی و تقسیم کار اجتماعی، عامل عمده شکل‌گیری طبقات اجتماعی است. به عبارت دیگر بر مبنای موقعیت‌ها و وظایف گوناگونی که افراد در ساختار تولید جامعه دارند، طبقه اجتماعی شکل می‌گیرد. در اندیشه مارکس، موقعیت طبقاتی در واقع تعیین‌کننده تفاوت سطح زندگی، سبک زندگی و ... است و به تعبیر او، طبقات به دلیل موقعیت متفاوتشان در

1. Goldschmidt

سازمان اجتماعی تولید، از نگرش‌ها و شیوه‌های متفاوت تفکر نیز برخوردارند. (سالارزاده امیری، ۱۳۸۸: ۵۹)

بورديو سرمایه اقتصادی را توصیف گر منابع مالی و قابل تبدیل به پول می‌داند که به شکل حقوق مالکیت قابل نهادینه شدن است. به عقیده وی سایر اشکال سرمایه ریشه در سرمایه اقتصادی دارند (اسمیت، ۲۰۰۱). از نظر بورديو، انسان‌ها مجهز به یک رشته طرح‌های ملکه ذهن شده‌اند که با آنها جهان اجتماعی شان را ادراک، فهم، ارزیابی و ارزش‌گذاری می‌کنند. ساختمان ذهنی در نتیجه اشغال بلند مدت یک جایگاه در داخل جهان اجتماعی شکل می‌گیرد. از همین روی ساختمان ذهنی بر وفق ماهیت جایگاه افراد در جهان اجتماعی تغییر می‌پذیرد و برای همین است که افراد گوناگون ساختمان ذهنی واحدی در جامعه ندارند (سالارزاده امیری، ۱۳۸۸: ۶۸) بنابراین، می‌توان نتیجه افراد با ساختمان ذهنی متفاوت، میزان مدارای متفاوتی نیز از خود بروز دهند.

گلنر^۱ (۱۹۹۴) نشان می‌دهد که رشد اقتصادی پیش شرط جامعه مدنی است و جوامعی که درگیر برآوردن نیازهای مربوط به بقا هستند کمتر از جوامعی که به پیشرفت تولید مشغول‌اند قادر خواهند بود جامعه مدنی توانمندی را پرورش دهند و نسبت به هم مدارا داشته باشند. بلا^۲ نشان می‌دهد که اقتصاد ضعیف تاثیر منفی بر جامعه مدنی و اعضای آن دارد. فقر شرایط مناسبی برای شهروندی موثر نیست. به عبارت دیگر، شرایط پایدار اقتصادی، تمایل افراد به مشارکت در انجمن‌ها و موسسات جامعه محور را افزایش می‌دهد. افرادی که دیگر نگران اعمال غیرقانونی یا برآوردن وسایل مادی زندگی خود نیستند. (۱۹۸۱: ۱۴) این افراد با افزایش میزان مشارکت در انجمن‌های جامعه مدنی و افزایش ادغام فرهنگی زمینه مناسبی برای مدارا اجتماعی به دست می‌آورند.

کورکران^۳ و همکاران (۲۰۱۱) نشان می‌دهند که چگونه توزیع متفاوت درآمد در جامعه از طریق فرایند مقایسه اجتماعی و در نتیجه احساس مثبت یا منفی نسبت به بهبود می‌تواند در افزایش یا کاهش میزان مدارا نسبت به سایر گروه‌های درآمد موثر واقع شود. به منظور مقابله با پیچیدگی زندگی اجتماعی، افراد خود را درگیر فرآیندهای مقایسه‌ای مختلف می‌کنند. هدف از انجام چنین فرآیندهایی تعیین استانداردهای مرجع و توسعه روال‌های تصمیم‌گیری است. همان طور که کورکران و همکاران (۲۰۱۱: ۱۲۷) به این نکته اشاره می‌کنند که «برای به دست آوردن خودشناسی دقیق، افراد از دیگرانی که همانند «خودشان» هستند به عنوان استانداردهای مقایسه استفاده می‌کنند زیرا تنها افرادی که شبیه به «خود» افراد هستند، اطلاعات تشخیصی را برای ارزیابی «خود» ارائه می‌دهند. زمانی که افراد بیشتر سعی در تقویت «خود» دارند، نمی‌خواهند اطلاعات دقیقی در مورد خودشان داشته باشند بلکه می‌خواهند یک دید مثبت از «خود» حفظ

1. Gellner
2. Bellah
3. Corcoran

کنند. برای این کار، آنها به دنبال دیگران فرومایه و پایین‌تر از خود هستند، زیرا در سایه چنین مقایسه‌های رو به پایینی است که «خود» حاصل شده مثبت به نظر می‌رسد. سرانجام، اگر مقایسه به هدف بهبودی «خود» خدمت می‌کند، به نظر می‌رسد دیگران برتر، استانداردهای کاملی هستند، زیرا مقایسه‌های رو به بالا ممکن است برای بهبود «خود» برانگیزاننده و کمک‌کننده باشد.»

اطلاعات به دست آمده در تدوین چنین استانداردهای مقایسه‌ای به مجموعه‌ای پیچیده اشاره دارد، از جمله متغیرهایی که می‌توانند تحت عنوان سود پولی اندازه‌گیری شوند. در ساختن استانداردهای مقایسه‌ای، فرد چنین دستاوردهایی را به صورت مطلق و (شاید به طور عمده) نسبی ارزیابی می‌کند. برای موقعیت‌یابی خود در عرصه اجتماعی، مهم است که نه تنها چقدر به دست می‌آورید، بلکه همچنین در مقایسه با همسایگان خود چقدر سود کسب می‌کنید. این عبارت باید با دقت سنجش شود، زیرا این بدان معنا نیست که درآمد مطلق به هیچ وجه اهمیتی ندارد. این رویکرد به سادگی فرض می‌کند که، در همان دامنه درآمدی، افراد ممکن است به دلیل فرایندهای مقایسه اجتماعی، سودمندی متمایزی^۱ را درک کنند. پایین‌تر یا بالاتر از یک آستانه درآمدی خاص، چنین فرایندهایی می‌توانند به ارزیابی‌های مختلف منتهی شوند. نتیجه اصلی قابل آزمایش این است که درآمد و سودمندی افراد، به صورت غیرخطی به هم مرتبط است. علاوه بر این، سایر عناصر اصلی پیکربندی ساختارهای اجتماعی و پیچیدگی تقسیم‌بندی اجتماعی نیز بر درک سودمندی افراد است. این عناصر بر استانداردهای مقایسه‌ای تعیین شده توسط افراد تأثیر می‌گذارند و درک خاصی از جایگاه خود در محیط اجتماعی القا می‌کنند. از این رو، می‌تواند اثر هم‌افزایی بین ارزشگذاری سود پولی افراد و ارزیابی شرایط اجتماعی به وجود آورد.

علاوه بر این، منافع مالی فقط برخی از سازوکارهای روانشناختی و عملیاتی که نیاز به کسب تایید مرجع اجتماعی دارند را، در نظر می‌گیرند. سایر متغیرهای غیرمادی به همان اندازه مهم هستند، مانند تعیین‌کننده‌های تصمیم‌گیری و رفتاری. از جمله این موارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کیفیت تعاملات انسانی، خانواده، دوستان و شبکه‌های اجتماعی، ادغام در گروه‌های اجتماعی، روابط همکاری یا سلسله‌مراتبی که مشخصه توزیع قدرت اجتماعی است، تحرک اجتماعی و باز بودن، سیستم واگذاری‌ها، محدودیت‌ها و تابوهای اجتماعی یا کیفیت هنجارها، قوانین و نهادهای اجتماعی. در ادامه به برخی از این مولفه‌های غیرمادی اشاره می‌شود.

اعتماد

بنا به تعریف افه^۲ اعتماد، فرضی شناختی است که کنشگران فردی یا جمعی در تعامل با دیگران به کار می‌بندند. این فرض شناختی، با ترجیحات و تمایلات رفتاری دیگران از لحاظ

1. distinctive utility
2. Offe

آمادگی آنها برای کمک، همکاری، و پرهیز از اقدامات خودخواهانه، فرصت طلبانه و خصمانه ارتباط دارد (افه، ۱۳۸۵: ۲۰۸). اعتماد تسهیل کننده رفتار جمعی، ایجاد کننده فضای اجتماعی مبتنی بر مشارکت و مشوق توجه به منافع و علایق جمعی است (زمرلی و نیوتن، ۲۰۰۸: ۱). به اعتقاد گیدنز اعتماد ابراز اطمینان نسبت به اشخاص یا نظام‌های مجرد، براساس نوعی جهش به ایمان است، که معمولاً مشکل نادانی یا بی‌اطلاعی را بر طرف می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۲۳). او اعتماد را عامل احساس امنیت وجودی می‌داند که موجود انسانی منفرد را در نقل و انتقال‌ها در بحران‌ها و در حال و هوای آکنده از خطرهای احتمالی قوت قلب می‌بخشد و به پیش می‌برد (همان: ۶۳). گیدنز همچنین اعتماد را از عناصر و مؤلفه‌های اصلی مدرنیته می‌داند و معتقد است که چهار زمینه محلی اعتماد یعنی خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و کیهان‌شناسی مذهبی بر فرهنگ‌های پیش از مدرن تسلط دارند، حال آنکه در دوران مدرن اعتماد به نظام‌های انتزاعی و نمادها و نظام‌های کارشناسی جای این نوع اعتماد را گرفته است (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۲۰).

رابرت پاتنام اعتماد را یکی از مؤلفه‌های حیاتی و اساسی سرمایه اجتماعی می‌داند. بر اساس دیدگاه او، سرمایه اجتماعی را می‌توان شبکه‌هایی از انجمن‌های ارادی و خودجوش معرفی کرد که به وسیله اعتماد، گسترش یافته‌اند. اعتماد و مشارکت به طور متقابل به یکدیگر وابسته‌اند، اعتماد از زندگی گروهی پدید می‌آید و در همان زمان، امکانات خودجوش را برای شکل‌گیری و تشکل انجمن‌ها فراهم می‌سازد. از منظر پاتنام، تئوری سرمایه اجتماعی فرض می‌کند که هر چه بیشتر با افراد دیگر ارتباط داشته باشیم، بیشتر به آنها اعتماد می‌کنیم و به عکس (پاتنام، ۱۹۹۵: ۶۵). وی عقیده دارد که اعتماد همکاری را تسهیل می‌بخشد و هر چه سطح آن در جامعه‌ای بالاتر باشد احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و همکاری نیز متقابلاً ایجاد اعتماد می‌کند. اعتماد که یکی از عناصر ضروری تقویت همکاری است عنصری غیر اختیاری و ناآگاهانه نیست. اعتماد مستلزم پیش بینی رفتار بازیگر مستقل است. شما برای انجام کاری صرفاً به این دلیل که فردی (یا نهادی) می‌گوید آن را انجام خواهد داد به او اعتماد نمی‌کنید بلکه تنها به این دلیل به او اعتماد می‌کنید که با توجه به شناخت‌تان از خلق و خوی او، انتخاب‌های ممکن او، تبعاتشان و توانایی او، حدس می‌زنید که او از پس انجام کار بر خواهد آمد. در جوامع کوچک این پیش‌بینی براساس چیزی انجام می‌شود که برنارد ویلیامز آن را اعتماد صمیمانه می‌نامد، یعنی اعتمادی که به آشنایی نزدیک با فرد بستگی دارد. اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر اعتمادی غیر شخصی‌تر یا شکل نامستقیمی از اعتماد ضرورت دارد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۳).

زتومکا^۱ اعتماد را مطمئن بودن درباره کنش‌های احتمالی دیگران در آینده تعریف می‌کند. نشان دادن اعتماد، نوعی پیش‌بینی آینده است. یعنی به نوعی رفتار می‌کنیم که گویی آینده

1. Sztompka

تعیین شده است. به نظرآلمون و وربا اعتماد به یکدیگر شرط تشکیل روابط ثانوی است (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۹۷). کلمن معتقد است که اعتماد در متن کنش‌های انسانی نمود پیدا می‌کند، به خصوص آن دسته از کنش‌ها که جهت‌گیری معطوف به آینده دارند.

چلیبی استدلال می‌کند که در فرایند توسعه اجتماعی میزان عضویت اعضای جامعه در گروه‌ها، سازمان‌ها و انجمن‌های مختلف افزایش می‌یابد و آمادگی فرد برای برقراری ارتباط بیشتر می‌شود و بدین ترتیب اعتماد اجتماعی متقابل تعمیم می‌پذیرد (چلیبی، ۱۳۷۵: ۱۲).

نظریه زیمل در مورد اعتماد چارچوب نظری معتبر و فراگیری برای تحلیل اعتماد شخصی و تعمیم یافته فراهم می‌سازد. به گفته زیمل، در جوامع مدرن رابطه مسلط، رابطه‌ای مبتنی بر مبادله است. بنابراین، هر برهم کنشی چونان مبادله قلمداد می‌شود. مبادله نه تنها برای ما ارزش نسبی اشیا را مشخص می‌کند بلکه هر گونه رابطه اجتماعی دیگر را نیز چارچوب می‌بخشد. یکی از کارکردهای مبادله این است که پیوند درونی بین افراد ایجاد می‌کند که از ایجاد اعتماد سرچشمه می‌گیرد و این بدان معنا است که جریان اعتماد، رابطه میان فردی و نیز مبادلات همچون زنجیره‌ای به هم متصل هستند. زیمل با مبنا قرار دادن مبادله، اعتماد را شکلی از رابطه به مثابه وابستگی مطمئن به یک نفر یا یک اصل و صور انتزاعی مثل پول تعریف می‌کند. او مبنای اعتماد را ارتباط می‌داند (میزتال^۱، ۲۰۱۳). از این رو با توجه به مباحث بالا در زمینه اعتماد، می‌توان نتیجه گرفت اعتماد که هم بستر ساز تعامل است و هم در حین تعامل ایجاد و مستحکم می‌گردد و زمینه را برای تعامل اجتماعی و اقتصادی فراهم می‌کند و همچنین زمینه‌ساز شکل‌گیری مدارا است.

مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی یکی از ابعاد برجسته و ضروری جامعه مدنی است. شو و اسلاتر^۲ (۲۰۰۱) استدلال می‌کنند که از جمله عوامل تعیین کننده در تعادل بین مدارا/رقابت اجتماعی، اندازه نسبی جمعیت مهاجران است. با این حال، مک لارن^۳ (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که پس از کنترل تهدید درک شده از سوی جمعیت مهاجر، و برقراری تماس صمیمی با اعضای گروه‌های اقلیت، به شکل دوستی، تمایل به اخراج مهاجران قانونی از کشور کاهش می‌یابد. رویکرد حاشیه‌نشینی فرهنگی نیز استدلال می‌کند که نگرش نسبت به مهاجران با مدارای بیشتری همراه است، هنگامی که افراد بومی در معرض فرهنگ مهاجران قرار می‌گیرند و بدین‌گونه، این افراد می‌توانند انگیزه‌ها و رفتارهای خود را بهتر بشناسند (پاس و هالاپو^۴، ۲۰۱۲). بنابراین، افزایش میزان مشارکت اجتماعی در ادغام فرهنگی و در نتیجه افزایش مدارا موثر است.

1. Misztal

2. Scheve and Slaughter

3. McLaren

4. Paas and Halapuu

پاتنام سرمایه اجتماعی را در آثار متعدد خود با سه مؤلفه، به عنوان ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌نماید که عبارتند از: الف. شبکه‌ها ب. هنجارهای همیاری ج. اعتماد. پاتنام تمایزی را بین سرمایه اجتماعی «درون‌گروهی» و «بین‌گروهی» قائل بود. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی به شبکه‌های همگن اشاره دارد؛ مثل آن شبکه‌هایی که از چرخه‌های آشنایان شخصی ما به وجود می‌آیند، «این انجمن‌ها با تأکید بر انسجام درونی به حذف غریبه‌ها می‌پردازند» (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۳۳). بدین معنی که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، هویت‌های انحصاری را تقویت کرده و باعث حفظ همگنی می‌شود. این گروه‌های همگن افراد را تبدیل به کسانی می‌کند که زمینه و نقطه نظرات مشابهی دارند و پیش‌فرض آن‌ها را در خصوص افرادی که خارج از گروه آن‌ها قرار گرفته‌اند، تقویت می‌کند. بدین ترتیب بیشتر از این که دیگران مدارا کنند، نظر دیگران را اشتباه تصور می‌کنند و آن را تهدیدی برای موجودیت خود می‌یابند (سیگلر و ژوسلین، ۲۰۰۲: ۱۰). در مقابل، سرمایه اجتماعی بین‌گروهی، شبکه‌هایی را توصیف می‌کند که ما را به افراد خارج از گروه صمیمی مان (یعنی غریبه‌ها) متصل می‌کند (لئونارد، ۲۰۰۴: ۳۰). این نوع از سرمایه اجتماعی آن چیزی است که پاکستون (۱۹۹۹) به عنوان پیوندهای افقی می‌نامد و زمانی رخ می‌دهد که اعضای یک گروه با اعضای سایر گروه‌ها برای دسترسی به اطلاعات و دسترسی به حمایت با یکدیگر ارتباط برقرار کنند (لارسن^۳ و همکاران، ۲۰۰۴: ۶۶).

این تعاملات وسیع‌تر امکان آشنایی افراد با هویت‌ها، فرهنگ‌ها، سبک‌های زندگی و اندیشه‌های متفاوت را فراهم می‌آورد و امکان همزیستی مسالمت‌آمیز را برای آن‌ها ایجاد می‌کند. بدین معنی که آن‌ها در برخورد منطقی با این‌گونه تفاوت‌ها، تفاوت و تنوع را منبعی ارزشمند قلمداد کرده و نسبت به هویت، جهت‌گیری و رفتارهای متفاوت با مدارا برخورد می‌کنند. با این که هرکدام از این شبکه‌ها برای جامعه مفید هستند. پاتنام در نهایت ادعا می‌کند که شبکه‌های بین‌گروهی برای دموکراسی مفیدتر هستند، چرا که این شبکه‌ها، میان‌برهای ارتباطی در جامعه را تشویق می‌کنند و مدارا، همکاری و انتشار اطلاعات را افزایش می‌دهند (تاج بخش، ۱۳۸۵: ۳۳).

طبق نظر پاتنام، مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه (شبکه‌های مشغولیت مدنی) از یک طرف از طریق ایجاد فضایی که در آن افراد به مبادله افکار و عقاید خود می‌پردازند و با یکدیگر به گفت‌وگو می‌نشینند، باعث افزایش مدارا می‌گردد و از طرف دیگر، این شبکه‌های مشغولیت مدنی همان‌گونه که استروم نشان داده است بر اعتماد و همیاری تأثیر می‌گذارند بدین ترتیب که در معرض تعاملات درون‌گروهی چهره به چهره قرار گرفتن باعث گسترش هنجارهایی از قبیل اعتماد و همیاری می‌شود (سیگلر و ژوسلین، ۲۰۰۲: ۹). اعتماد و همیاری نیز به نوبه خود بر مدارا

1. Cigle & Josly
2. Leonard
3. Larsen

تأثیر می‌گذارند (براون^۱، ۲۰۰۶: ۴). بدین ترتیب که مردمی که ارتباطات فعال و اعتمادآمیز با یکدیگر دارند- چه فامیلی، چه دوستان یا بازیکنان بولینگ- خصوصیات شخصی مفید به حال جامعه در آن گسترش می‌یابد. این افراد مداراجوتر هستند، کمتر بدبین و خودخواه هستند و بیشتر با مشکلات دیگران همدلی دارند (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۸۸).

پیشینه تجربی

آدرش^۲ (۲۰۱۸) به بررسی رابطه بین مدارا و نوآوری پرداخته است. این تحقیق که به روش پیمایش در ۵۰ ایالت آمریکا و ۳۱ بخش چین انجام شده است نشان می‌دهد مدارا و اعتماد نقش مهمی در تحریک عملکرد نوآوری دارد، اما ماهیت دقیق این روابط تحت تأثیر توسعه اقتصادی است.

دیما^۳ (۲۰۱۶) به بررسی رابطه بین توزیع درآمد و مدارای اجتماعی پرداخته است. نتایج این تحقیق که با استفاده از داده‌های طرح ارزش‌های جهانی در طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ در ۴۸ کشور جمع‌آوری شده است نشان می‌دهد بین توزیع درآمد و مدارای اجتماعی یک رابطه غیر خطی و U شکل وجود دارد.

وایز و دریسکل^۴ (۲۰۱۶) در مطالعه خود با عنوان «آیا سرمایه اجتماعی مدارا را تحت تأثیر قرار می‌دهد» نشان می‌دهند که متغیرهای درگیری اجتماعی^۵ و اتکای اجتماعی^۶ با سطوح مدارا رابطه معنادار دارند. همچنین افرادی که در فعالیت‌های خیریه مشارکت دارند در مقایسه با افرادی که چنین فعالیتی ندارند بیشتر اهل مدارا هستند. در این مطالعه اتکای اجتماعی با دو شاخص تعداد دوستان و مشارکت گروهی^۷ سنجیده شده است. نتایج نشان داده که هرچه تعداد دوستان فردی بیشتر باشد، مدارا نیز افزایش پیدا می‌کند.

آنانینا و دانیلوف^۸ (۲۰۱۵) در خصوص عوامل موثر بر شکل‌گیری مدارای قومی در بین دانشجویان دانشگاه‌های روسی مطالعه کرده‌اند. آنان در این مطالعه چهار دسته متغیر را برای تبیین مدارای قومی به خدمت گرفته‌اند: متغیرهای مستقل (در بردارنده متغیرهایی در خصوص مختصات اجتماعی - قومیتی فرد نظیر وضعیت تاهل، سطح سواد، انسجام قومی، آشنایی با زبان خارجی و ...) متغیرهای وضعیت قومیتی خانواده، متغیرهای مربوط به محیط فرهنگی که فرد در آن زندگی می‌کند و متغیرهای مربوط به نگرش‌های فرهنگی - قومیتی فرد.

-
1. Brown
 2. Audretsch
 3. Dima
 4. Wise & Driskell
 5. civic engagement
 6. social embeddedness
 7. group involvement
 8. Ananina & Daniil

شی^۱ (۲۰۱۴) به بررسی پویایی‌های مدارای اجتماعی در مدل‌های تعامل اقتصادی در درون گروه‌ها پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد تعامل‌های اقتصادی بیشتر که ادغام فرهنگی بیشتر را به دنبال دارد می‌تواند مدارای اجتماعی با گروه‌های مختلف را افزایش دهد.

برگر و نیلسون^۲ (۲۰۱۳) در مطالعه خود نشان دادند که میزان آزادی اقتصادی با میزان مدارای جنسی در میان افراد، به ویژه در بلند مدت رابطه مثبتی دارد. در حالی که این رابطه بین میزان آزادی اقتصادی و میزان مدارای نژادی و تمایل به آموزش مدارا به کودکان دیده نمی‌شود.

مقالات محدودی با استفاده از داده‌های تجربی و مطالعات تطبیقی به بررسی مدارا پرداخته‌اند. از جمله این مقالات می‌توان به مطالعه برگر و الیندر^۳ (۲۰۱۲) اشاره کرد که به بررسی تاثیر میزان مدرا بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه که با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی در بین ۵۴ کشور انجام شده است نشان می‌دهد افزایش مدارا از طریق ادغام افراد در فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند باعث افزایش ظرفیت تولید شود.

جانس اسکالت^۴ (۲۰۰۸) در رساله خود به بررسی «تاثیر سرمایه اجتماعی و مدارا بر رویکردهای دموکراتیک» پرداخته است. در بخشی از نتایج این مطالعه روابط بین سرمایه اجتماعی و مدارای بی‌فردی ارائه شده است. نتایج حاکی از آن است که بین این دو متغیر رابطه همبستگی به شدت ۰/۳ وجود دارد.

داسه (۱۳۹۸) به بررسی مدارای سیاسی-اجتماعی در ایران معاصر با چشم‌اندازی نظری به آسیب‌شناسی مفهومی و انضمامی پرداخته است. این پژوهش که به روش تحلیلی-تطبیقی انجام شده است، بعد از گذر کوتاهی به تبارشناسی لغوی و ایضاح مفهومی، به ارائه تعریف و طبقه‌بندی جامعی از مدارا پرداخته و در ادامه کاستی‌ها و ابهامات مدارا را در ایران معاصر برجسته ساخته است.

خجسته مهر (۱۳۹۷) به آزمون مدل مدارا با رویکرد اسلامی در بافت زندگی زناشویی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مولفه‌های چهارگانه مدارا (همدلی و پذیرش همسر، کنترل هیجانی و صبر و تحمل، تسهیل فرایند رشد و شکوفایی همسر و احسان و گذشت نسبت به همسر) و نمره کل آن با صمیمیت زناشویی رابطه مثبت معنادار دارد.

شهریاری (۱۳۹۵) به سنجش تساهل سیاسی و عوامل موثر بر آن در شهر مشهد پرداخته است. نتایج این تحقیق که به صورت پیمایش در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی انجام شده است نشان می‌دهد که تساهل سیاسی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست همچنین سرمایه اجتماعی بیشترین اثرگذاری را بر تساهل سیاسی داراست و پس از آن آگاهی سیاسی و سطح تحصیلات قرار دارند. همچنین، سرمایه اجتماعی درون گروهی تاثیر بیشتری بر تساهل سیاسی داراست نسبت به سرمایه اجتماعی برون گروهی.

1. Shi

2. Berggren and Nilsson

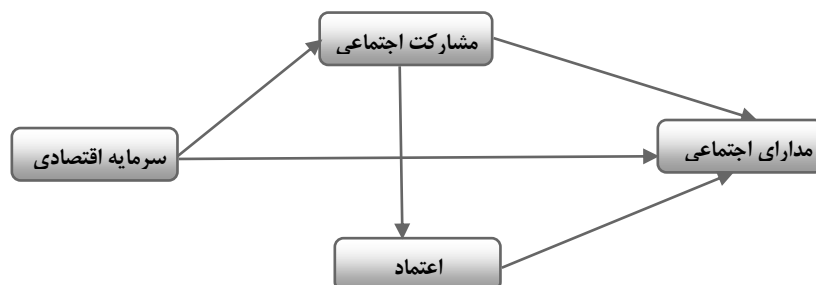
3. Berggren and Elinder

4. Johannes Schult

گلایی و رضایی (۱۳۹۲) نشان داده‌اند که میزان مدارای اجتماعی با مشارکت اجتماعی و ابعاد سه گانه آن دارای همبستگی مستقیم معنی‌دار می‌باشد، ولی مشارکت و مدارای اجتماعی براساس وضعیت تأهل دانشجویان معنی‌دار نبود. در متغیرهای زمینه‌ای، مقطع تحصیلی تأثیر معناداری بر روی مدارای اجتماعی داشته است. در نهایت، تحلیل رگرسیون نشان داد که $31/8$ درصد از تغییرات متغیر مدارای اجتماعی توسط ابعاد سه گانه مشارکت قابل تبیین است. شارع‌پور و دیگران (۱۳۸۸) نشان می‌دهند که از میان متغیرهای سرمایه اجتماعی، اعتماد نهادی با تمامی ابعاد مدارا رابطه معکوس و معناداری داشته است. همچنین رابطه مستقیم و معناداری بین مشارکت در شبکه‌های غیررسمی سیاسی و شبکه‌های رسمی با ابعاد مدارا مشاهده شده است. نتایج تحلیل رگرسیونی حاکی از آن است که از میان متغیرهای سرمایه اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای چهار متغیر اعتماد نهادی، سن، شبکه‌های غیررسمی سیاسی و سرمایه اجتماعی انحصاری و ارتباطی مهم‌ترین تبیین‌کننده‌های مدارا می‌باشند.

چارچوب نظری

بر اساس آنچه در پیشینه نظری و تجربی آورده شد و برای بالا بردن قدرت تبیین، چارچوب نظری پژوهش حاضر یک چارچوب تلفیقی است: سرمایه اقتصادی از طریق فراهم آوردن منابع و زمان برای مشارکت اجتماعی می‌تواند بر میزان مدارا موثر باشد. همچنین طبق نظر بوردیو، اشغال بلند مدت یک جایگاه در داخل جهان اجتماعی و به تبع آن شکل‌گیری چارچوب‌های ذهنی متفاوت، به طور مستقیم بر میزان مدارا با دیگران متفاوت، تأثیرگذار خواهد بود. علاوه بر این، توزیع نابرابر درآمدها از طریق فرایند مقایسه اجتماعی و احساس برد یا باخت در افراد، می‌تواند با میزان مدارای آنان با افراد سایر طبقات اجتماعی رابطه داشته باشد. مشارکت اجتماعی از طریق شرکت در انجمن‌های داوطلبانه هم فضایی برای مبادله افکار و عقاید ایجاد می‌کند (آنگونه که هابرماس متقد بود) باعث افزایش مدارا می‌گردد و هم این شبکه‌های مشغولیت مدنی همان‌گونه که استروم نشان داده است بر اعتماد و همیاری تأثیر می‌گذارند. اعتماد تعمیم یافته از طریق تسهیل روابط بین گروهی و ادغام فرهنگی بیشتر، بر مدارا تأثیر دارد.



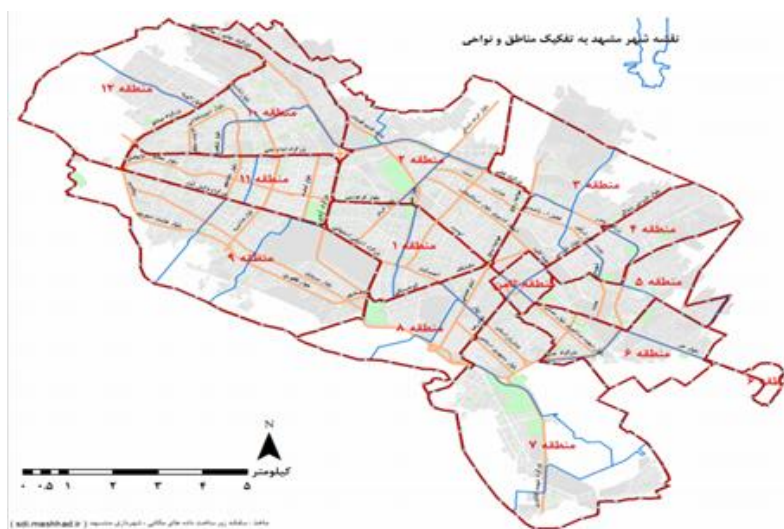
شکل ۱: مدل نظری پژوهش

فرضیات

- ۱- با افزایش سرمایه اقتصادی، میزان مدارا افزایش می‌یابد.
- ۲- با افزایش سرمایه اقتصادی، میزان مشارکت اجتماعی افزایش می‌یابد.
- ۳- با افزایش میزان مشارکت اجتماعی، میزان اعتماد تعمیم یافته افزایش می‌یابد.
- ۴- با افزایش میزان مشارکت اجتماعی، میزان مدارا افزایش می‌یابد.
- ۵- با افزایش میزان اعتماد تعمیم یافته، میزان مدارا افزایش می‌یابد.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق مطالعه حاضر پیمایش می‌باشد. از نظر وسعت پهنانگر و از نظر محتوا از نوع کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شهروندان بالای ۱۵ سال ساکن مناطق ۱۳ گانه شهرداری شهر مشهد می‌باشد که مطابق نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ برابر با ۳۰۰۱۱۸۴ نفر می‌باشد. حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران مشخص شد. بدین منظور حداکثر واریانس در متغیر وابسته در نظر گرفته شد ($p, q = 0/5$) و جاگذاری آن در فرمول کوکران، حجم نمونه برآورد شد.



شکل شماره ۱: نقشه مناطق شهر مشهد

با توجه به گستردگی جغرافیایی و جمعیت زیاد شهر مشهد، برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. ابتدا منطقه‌های شهر همانند مطالعه خاکپور و باوان پوری^۱ (۱۳۸۸) در این مطالعه مناطق شهرداری به سه منطقه برخوردار (۱ و ۸ و ۱۱) و ۹ و ۱۱)،

۱. در بررسی خاکپور و باوان پوری (۱۳۸۸) ضمن به تصویر کشیدن میزان و چگونگی توزیع فضایی شاخص‌های بهداشتی-درمانی، مذهبی، اجتماعی-فرهنگی، ورزشی-تفریحی، اداری-خدماتی، علمی-پژوهشی در شهر مشهد، به تحلیل سطح برخورداری مناطق شهر مشهد و تشریح تاثیر توزیع عادلانه امکانات و پایداری شهری پرداخته شده است.

متوسط (۳ و ۷ و ۱۰) و محروم (۲ و ۳ و ۵ و ۶ و ۱۲)) تقسیم شدند. به قاعده انتخاب تصادفی از مناطق برخوردار منطقه ۱ از مناطق متوسط منطقه ۱۰ و از مناطق کم برخوردار منطقه ۵ انتخاب شدند. در مرحله بعد در هر منطقه دو ناحیه شهری انتخاب شد. در مرحله بعدی در هر ناحیه شهری دو محله/زیر ناحیه انتخاب شد. در گام نهایی در هر محله/زیر ناحیه دو بلوک ساختمانی انتخاب شده و سپس با مراجعه به درب منزل اطلاعات مورد نیاز تکمیل شد. البته شایان ذکر است که در هر بلوک ساختمانی ابتدا تعداد پلاک‌های موجود برآورد شده و سپس با توجه به نمونه تخصیص یافته به آن بلوک با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک اقدام به نمونه‌گیری شد.

جدول شماره ۱: مناطق نمونه‌گیری شده و فراوانی نمونه در هر منطقه

منطقه	جمعیت	درصد از جمعیت	درصد در نمونه	فراوانی نمونه در منطقه
منطقه ۱	۱۶۷۰۱۳	۵/۵	۲۶	۱۰۴
منطقه ۵	۱۷۵۸۴۹	۵/۸	۲۷	۱۱۰
منطقه ۱۰	۲۹۶۸۲۳	۹/۷	۴۶	۱۸۶
جمع سه منطقه	۶۳۹۶۸۵	۲۱	۱۰۰	۴۰۰
کل شهر مشهد	۳۰۵۷۶۷۹	-	-	-

منبع: برگرفته از اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران

ابزار گردآوری اطلاعات در این مطالعه پرسشنامه است. برای ساخت پرسشنامه تلاش شد از سنج‌ها و مقیاس‌های معتبر که بیشتر در تحقیقات قبلی مورد استفاده قرار گرفته شده، بهره‌گیری شود که در جدول زیر بدان اشاره می‌شود:

جدول شماره ۲: منابع استفاده شده در تهیه پرسشنامه تحقیق

متغیرها	ابعاد	منبع گویه‌ها
	مدارای فردی	THOMAE, M., BIRTEL, M.D. & WITTEMANN, J 2016
مدارا	مدارای اجتماعی و مدارای سیاسی	Henry Institute National Survey on Religion " گویه‌های پیمایش " and Public Life " در بخش (Political and Social Tolerance)
	مدارای جنسیتی	(Stelios H. Zanakis, William Newburry and Vasyl Taras,) (2016)
	مدارای مذهبی	(Gallup Religious Tolerance Index in 2002)
	اعتماد تعمیم یافته	(حمیدی و بنی فاطمه، ۱۳۹۰)

تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

در این مطالعه مدارای دارای ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، جنسیتی، مذهبی و قومیتی می‌باشد.

مدارای فردی

- ❖ باید به افراد جامعه اجازه داد تا اندیشه‌های متفاوت را مطرح کنند.
- ❖ باید از اعتراض افراد در مقابل برخی از مسائل جلوگیری کرد.
- ❖ باید به نظرات معترضان به عملکرد دولت گوش داد و با آنان وارد مذاکره منطقی شد.
- ❖ باید به کسانی که به اسلام اعتقادی ندارند نیز اجازه داد به راحتی عقاید خود را بیان کنند.

مدارای اجتماعی

- ❖ جامعه باید در مقابل انتقادات و اعتراضات معترضان صبر و تحمل داشته باشد.
- ❖ منتقدان نظام نیز حق دارند در انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا شوند.
- ❖ باید زمینه تداوم فعالیت گروه‌هایی که در انتخابات شکست می‌خورند فراهم شود.
- ❖ مخالفان عقاید ما هم باید حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در جامعه را داشته باشند.

مدارای سیاسی

- ❖ بایستی حق اکتساب مناصب سیاسی برای شهروندان متعلق به اقلیت‌های مذهبی نیز وجود داشته باشد.
- ❖ بایستی حق اکتساب مناصب سیاسی برای شهروندان متعلق به اقلیت‌های قومی نیز وجود داشته باشد.
- ❖ احزاب سیاسی مخالف حق برگزاری نشست‌های سیاسی را دارند.
- ❖ با تعطیل شدن روزنامه‌های مخالف با عقاید سیاسی خودم مخالفم.
- ❖ با فعالیت سیاسی احزابی که نظرات متضادی با من دارند موافقم.
- ❖ باید افراد عضو گروه‌های سیاسی منتقد حکومت را از داشتن بسیاری از مزایای اجتماعی مانند شغل و تحصیلات محروم کرد.

مدارای جنسیتی

- ❖ مردان نسبت به زنان در عالم سیاست کارایی بیشتری دارند.

- ❖ مردان حق بیشتری برای اشتغال دارند.
- ❖ زنان حقوق برابری مانند مردان دارند.
- ❖ در شرایطی که مشاغل کمیاب هستند، مردان نسبت به زنان حق بیشتری برای گرفتن این یا آن شغل دارند.
- ❖ زنان باید بتوانند در حوزه رهبری سیاسی نیز فعالیت داشته باشند.
- ❖ تحصیلات دانشگاهی برای یک پسر مهم‌تر است تا برای یک دختر.
- ❖ زنان باید بتوانند در مراتب مدیریت تجاری نیز فعالیت داشته باشند.
- ❖ در مسائل خانواده، زنان نیز باید بتوانند اظهار نظر نمایند.
- ❖ زن باید همیشه از شوهر خود اطاعت کند.
- ❖ زنان نیز همانند مردان حق دارند که در تصمیم‌گیری‌ها برای خانواده مشارکت داشته باشند.
- ❖ در عکس‌العمل‌ها در مقابل رابطه پسر و دختر قبل از ازدواج نباید فقط یک طرف را محکوم کرد.
- ❖ بایستی‌شان زنان در جامعه همانند مردان مورد احترام قرار بگیرد.

مدارای مذهبی

- ❖ علمای مذهبی نباید در تصمیمات دولتی دخالت کنند. اسلام باید تنها دینی باشد که در مدارس دولتی آموزش داده می‌شود.
- ❖ از نظر من مهم نیست که معلم‌ها مذهبی نباشند.
- ❖ فقط مسلمانان خوب به بهشت می‌روند. غیر مسلمان، خواه خوب یا بد به بهشت نمی‌رود.
- ❖ ادیان غیر اسلام، عقاید عجیب و غریب و کفر آمیزی دارند.
- ❖ مردم همه ادیان دیگر احتمالاً همان قدر خوب و اخلاقی‌اند که هم مذہبان من.
- ❖ دین اسلام از سایر ادیان به خدا نزدیک‌تر است.
- ❖ برای من مهم نیست که همسایه ام به لحاظ دینی از من متفاوت باشد.
- ❖ حاضر هستم با فردی که دینی متفاوت از دین خودم دارد نیز خرید و فروش داشته باشم.
- ❖ از نظر من ایرادی ندارد که با فردی متفاوت از نظر مذهبی دوستی نمود.
- ❖ به نظر من ازدواج با فردی از ادیان دیگر اشکالی ندارد.

مدارای قومیتی

- ❖ برای من مهم نیست که همسایه ام به لحاظ قومیتی از من متفاوت باشد.

- ❖ حاضر هستیم با فردی که قومیتی متفاوت از قومیت خودم دارد نیز خرید و فروش داشته باشیم.
- ❖ از نظر من ایرادی ندارد که با فردی متفاوت از نظر قومی دوستی نمود.
- ❖ به نظر من ازدواج با فردی از اقوام دیگر اشکالی ندارد.
- ❖ مردم همه اقوام دیگر احتمالاً همانقدر خوب و اخلاقی‌اند که هم قومان من.
- ❖ باید به همه قومیت‌ها به یکسان نگریسته شود.
- ❖ قومیت من از هر قومیتی برتر است. (گلابی و دیگران، ۱۳۹۶)

اعتماد تعمیم یافته

اعتماد به بیگانگان یا افراد کمتر آشنای اجتماع را شامل می‌شود و از جمع نمرات گویه‌های زیر محاسبه شده است.

- ❖ اکثر مردم در معامله با دیگران درستکار و بی‌شبهه پبله‌اند.
- ❖ خیلی از مردم فقط در فکر خویشاند و واقعاً به جز خود به هیچ کس دیگر اهمیت نمی‌دهند.
- ❖ خیلی‌ها فقط از آن رو با تو دوستاند که در مواقع نیاز بتوانند از تو کمک بگیرند.
- ❖ شما تا چه اندازه به غریبه‌ها اعتماد می‌کنید.

مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محل زندگی خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم هستند. (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۸)

- ❖ شرکت در مراسم مذهبی
- ❖ شرکت در نماز جمعه
- ❖ مشارکت در انجمن‌های محلی
- ❖ مشارکت در انتخابات
- ❖ ارائه پیشنهادات برای حل مشکل در محله
- ❖ عضویت در تشکلهای فرهنگی و اجتماعی و خیریه
- ❖ میل به مشورت با دیگران در مشکلات روزمره
- ❖ میل به تبادل اطلاعات با دیگر شهروندان
- ❖ مشارکت در تشکلهای سیاسی
- ❖ مشارکت در تیم‌های ورزشی محله/ شهر

❖ شرکت در نماز جماعت مسجد محل

جهت برآورد اعتبار شاخص‌های تحقیق از اعتبار صوری استفاده شده است. ضرایب پایایی متغیرهای مورد مطالعه در این تحقیق (جدول شماره ۳) نشان می‌دهد که همه متغیرها از ضریب پایایی مناسبی برخوردار هستند.

جدول شماره ۳: ضریب پایایی مقیاس‌های مورد مطالعه

متغیرها	ابعاد	تعداد گویه	ضریب آلفای
مدارا	مدارای فردی	۱۲	۰/۸۰۸
	مدارای اجتماعی	۶	۰/۷۳۰
	مدارای سیاسی	۵	۰/۸۶۷
	مدارای جنسیتی	۳	۰/۸۸۴
	مدارای مذهبی	۵	۰/۷۲۷
اعتماد تعمیم یافته			۰/۸۵۷
مشارکت اجتماعی			۰/۸۱۹

برای تجزیه و تحلیل داده‌های از نرم‌افزارهای آماری Spss و Amos استفاده شده است. داده‌های در دو قسمت آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی) و آمار استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون، اسپیرمن) تحلیل شده‌اند. برای برازش مدل تحقیق و محاسبه میزان تاثیر هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته نیز از مدل معادلات ساختاری استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

در بین کل پاسخگویان این تحقیق دامنه سنی بین ۱۵ تا ۹۹ سال بود. میانگین متغیر سن ۳۲ سال و انحراف استاندارد برابر با ۱۴/۵ سال است. ۴۹ درصد پاسخگویان مرد و ۵۱ درصد زن می‌باشند. ۵۴ درصد پاسخگویان مجرد، ۴۳ درصد متأهل و ۲ درصد مطلقه و ۱ درصد بیوه بودند. در بین پاسخگویان ۱۶ درصد کارمند بخش خصوصی، ۷ درصد کارمند بخش دولتی، ۲۵ درصد دارای شغل آزاد، ۴ درصد بازنشسته، ۳۱ درصد دانش‌آموز/ دانشجو، ۱۱ درصد خانه‌دار و ۷ درصد هم بیکار بودند. در بین پاسخگویان این تحقیق ۷۵ درصد از حیث تعلق قومی فارس، ۱۲ درصد ترک، ۴ درصد کرمانج، ۳ درصد عرب و بقیه کرد، لر، بلوچ، افغانی و زابلی بودند. از حیث متغیر دین و مذهب تمامی پاسخگویان مسلمان و ۹۹ درصد آنان شیعه بودند. ۱ درصد هم گرایش مذهبی خود را اعلام نکرده بودند. همچنین از نظر متغیر تحصیلات، ۶ درصد پاسخگویان زیر

دیپلم، ۳۰ درصد دیپلم، ۱۵ درصد فوق دیپلم، ۳۹ درصد لیسانس و ۱۰ درصد فوق لیسانس و دکتری بودند.

علاوه بر این، یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد ۴۵/۳ درصد پاسخگویان در منطقه کم برخوردار، ۲۸/۸ درصد در منطقه نیمه برخوردار و ۲۵/۹ درصد پاسخگویان در منطقه برخوردار سکونت دارند.

جدول شماره ۴: منطقه محل سکونت

منطقه	فراوانی	درصد معتبر
کم برخوردار	۱۱۰	۲۸/۸
نیمه برخوردار	۱۷۳	۴۵/۳
برخوردار	۹۹	۲۵/۹

توزیع درآمد پاسخگویان حاکی از آن است که بیش از ۵۰ درصد آنان درآمد کمتر از سه میلیون تومان داشته‌اند. به طوری که ۲۶/۶ درصد در طبقه درآمدی یک تا دو میلیون تومان قرار دارند و فقط ۹/۵ درصد پاسخگویان درآمد پنج میلیون تومان و بیشتر دارند.

جدول شماره ۴: توزیع درآمد شهروندان

توزیع درآمد	فراوانی	درصد معتبر
کمتر از یک میلیون تومان	۲۴	۶/۷
یک تا دو میلیون تومان	۹۵	۲۶/۶
دو تا سه میلیون تومان	۷۷	۲۱/۶
سه تا چهار میلیون تومان	۷۹	۲۲/۱
چهار تا پنج میلیون تومان	۴۸	۱۳/۴
پنج میلیون تومان و بیشتر	۳۴	۹/۵
میانگین (+۰-+۱): ۴۷/۵		
انحراف استاندارد: ۲۸/۴		
چولگی: ۰/۲۶۳		
کشیدگی: ۰/۸۷۱-		

مطابق اطلاعات اظهار شده توسط پاسخگویان، ۵۰/۳ درصد پاسخگویان ملک شخصی نداشته‌اند و ارزش تقریبی ملک ۱۹/۶ درصد آنان معادل ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان بوده است. ۲۹/۸ درصد پاسخگویان مالک طلا و جواهرات نبوده‌اند و ارزش تقریبی طلا و جواهر ۳۴ درصد آنان کمتر از ۱۰۰ میلیون تومان بوده است. همچنین ۵۴/۲ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند که وسیله نقلیه شخصی ندارند و ارزش تقریبی وسیله نقلیه ۸ درصد پاسخگویان کمتر از ۱۰۰ میلیون تومان بوده است. ۵۰/۸ درصد پاسخگویان ارزش تقریبی اثاثیه منزل خود را کمتر از ۱۰۰ میلیون تومان اظهار کرده‌اند و ۲۳/۶ درصد نیز بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان اثاثیه منزل داشته‌اند.

جدول شماره ۵: توصیف آماره‌های مربوط به شاخص سرمایه اقتصادی

آماره توصیفی	ابعاد شاخص سرمایه اقتصادی	ارزش املاک	ارزش جواهرات	ارزش وسیله نقلیه	ارزش اثاثیه منزل
ندارم	۵۰/۳	۲۹/۸	۵۴/۲	-	-
کمتر از ۱۰۰ میلیون	۰/۸	۳۴/۰	۲۸/۰	۵۰/۸	۲۳/۶
بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون	۷/۹	۱۷/۸	۶/۳	۱۳/۶	۱۳/۶
بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون	۸/۱	۴/۷	۲/۶	۷/۹	۲/۴
بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون	۸/۴	۱/۸	۱/۳	۲/۴	۱/۸
بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون	۵/۰	۰/۸	۱/۳	۱/۸	۱/۸
بیش از ۵۰۰ میلیون					

شاخص سرمایه اقتصادی (بین ۰ تا ۱۰۰) که از مجموع پاسخهای افراد در مورد متغیرهای منطقه محل سکونت، میزان درآمد، ارزش تقریبی املاک، جواهرات، وسیله نقلیه و اثاثیه منزل بدست آمده و به سه قسمت مساوی کم، متوسط و زیاد تقسیم شده است نشان می‌دهد ۶۳ درصد پاسخگویان دارای سرمایه اقتصادی کم بوده‌اند، ۲۹/۷ درصد سرمایه اقتصادی متوسطی داشته‌اند و ۷/۳ درصد پاسخگویان از سرمایه اقتصادی بالایی برخوردار بوده‌اند.

جدول شماره ۶: توصیف شاخص سرمایه اقتصادی

شاخص سرمایه اقتصادی	فراوانی	درصد
کم	۲۲۵	۶۳
متوسط	۱۰۶	۲۹/۷
زیاد	۲۶	۷/۳

میانگین(۰-۱۰+): ۲۵/۳
انحراف استاندارد: ۲۳/۵
چولگی: ۰/۶۶۵
کشیدگی: ۰/۸۵۹-

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد میزان مدارا در بین ۴/۷ درصد شهروندان کم بوده است، ۷۴/۹ درصد شهروندان مدارای متوسط و ۲۰/۴ درصد نیز مدارای زیادی داشته‌اند. میانگین تراز شده این شاخص گویای آن است که میزان مدارا در بین شهروندان شهر مشهد متوسط است.

جدول شماره ۷: توصیف شاخص مدارا

شاخص مدارا	فراوانی	درصد
کم	۱۸	۴/۷
متوسط	۲۸۶	۷۴/۹
زیاد	۷۸	۲۰/۴
میانگین(۰-۱۰+): ۵۶/۶		
انحراف استاندارد: ۱۲/۳۸۰		
چولگی: ۰/۲۹۷-		
کشیدگی: ۰/۴۶۷-		

در مطالعه حاضر سازه مدارا دارای پنج بعد فردی، اجتماعی، سیاسی، جنسیتی و مذهبی می‌باشد. میانگین تراز شده حاکی از آن است که در بین پاسخگویان بالاترین سطح مدارا متعلق به بعد فردی آن با میانگین ۶۴/۴ و پایین‌ترین نمره مربوط به مدارای جنسیتی با میانگین ۴۷/۳۳ است. (جدول شماره ۹)

جدول شماره ۸: توصیف آماره‌های مربوط به ابعاد سازه مدارا

ابعاد سازه مدارا	مدارای فردی	مدارای اجتماعی	مدارای سیاسی	مدارای جنسیتی	مدارای مذهبی
آماره توصیفی	کم	متوسط	کم	متوسط	کم
	۹/۴	۱۱/۵	۲۶/۲	۳۷/۴	۱۰/۷
	۳۵/۹	۳۶/۶	۵۰	۲۹/۱	۴۶/۶

زیاد	۵۴/۷	۵۱/۸	۲۳/۸	۳۳/۵	۴۲/۷
میانگین	۶۴/۱۱	۶۳/۴۹	۴۷/۶۸	۴۷/۳۳	۶۰/۵۴
انحراف استاندارد	۱۷/۹۷	۲۱/۹۳	۲۶/۲۷	۳۳/۹۲	۲۰/۰۲
چولگی	-۰/۸۲۹	-۰/۵۵۰	-۰/۱۸۲	۰/۱۴۰	-۰/۴۰۸
کشیدگی	۰/۳۴۱	-۰/۱۳۶	-۰/۵۱۶	-۱/۳۲۵	-۰/۱۴۵

بررسی روابط همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته و ابعاد آنها نکات جدیدی را بازگو می‌کند:

مدارای فردی با متوسط درآمد، ارزش تقریبی املاک، ارزش تقریبی جواهرات، ارزش تقریبی وسیله نقلیه خانواده، منطقه محل سکونت، ارزش تقریبی اسباب و اثاثیه منزل و سرمایه اقتصادی دارای همبستگی مثبت به ترتیب به میزان ۰/۱۳، ۰/۱۳، ۰/۱۱، ۰/۱۱، ۰/۱۰ و ۰/۱۲ می‌باشد. همچنین، بین اعتماد تعمیم یافته و مشارکت اجتماعی با مدارای فردی به ترتیب همبستگی به میزان ۰/۶۳ و ۰/۶۳ وجود دارد.

مدارای اجتماعی به ترتیب به میزان ۰/۱۴، ۰/۱۴، ۰/۱۲، ۰/۱۱، ۰/۱۱، ۰/۱۰ و ۰/۱۱ با متوسط درآمد، ارزش تقریبی املاک، ارزش تقریبی جواهرات، ارزش تقریبی وسیله نقلیه خانواده، منطقه محل سکونت، ارزش تقریبی اسباب و اثاثیه منزل و سرمایه اقتصادی رابطه همبستگی مثبت و معنادار دارد. بین مدارای اجتماعی با اعتماد و مشارکت اجتماعی به ترتیب ضریب همبستگی برابر با ۰/۶۴ و ۰/۶۵ است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که مدارای سیاسی با متغیرهای متوسط درآمد، ارزش تقریبی املاک، ارزش تقریبی جواهرات، ارزش تقریبی وسیله نقلیه خانواده، منطقه محل سکونت، ارزش تقریبی اسباب و اثاثیه منزل و سرمایه اقتصادی به ترتیب دارای همبستگی به میزان ۰/۱۴، ۰/۱۴، ۰/۱۲، ۰/۱۱، ۰/۱۱ و ۰/۱۱ است. ضریب همبستگی بین مدارای سیاسی با شاخص‌های اعتماد تعمیم یافته و مشارکت اجتماعی به ترتیب برابر با ۰/۶۳ و ۰/۶۴ است.

مدارای جنسیتی با شاخص سرمایه اقتصادی و ابعاد آن همبستگی مثبت و معناداری دارد و با متغیرهای اعتماد تعمیم یافته و مشارکت اجتماعی رابطه همبستگی به میزان ۰/۶۵ و ۰/۶۹ دارد.

مدارای مذهبی فقط با بعد ارزش تقریبی املاک رابطه مثبت و معناداری دارد. همچنین با افزایش شاخص اعتماد تعمیم یافته و مشارکت اجتماعی مدارای مذهبی نیز افزایش می‌یابد.

برازش مدل تحقیق

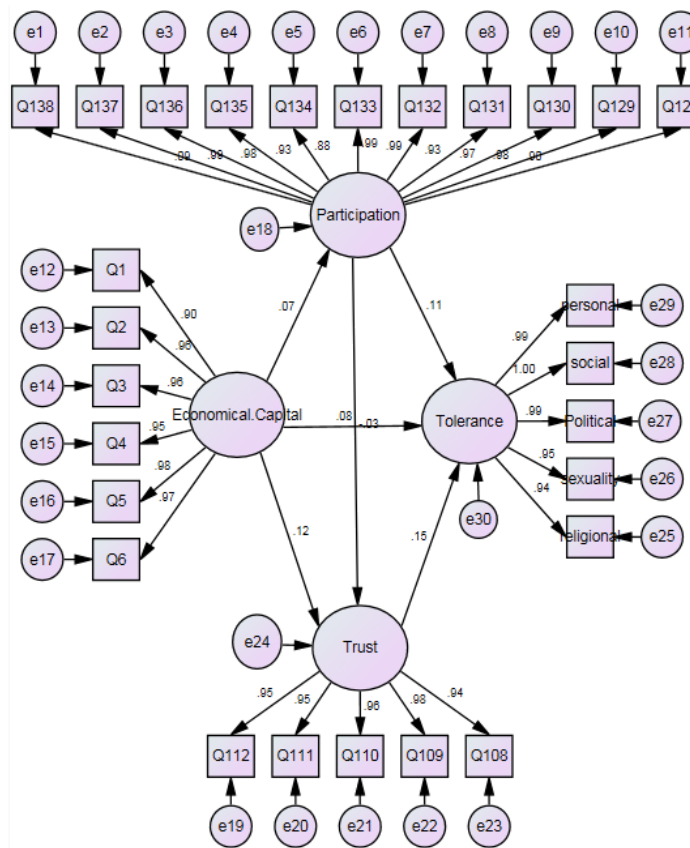
در شکل شماره (۲) مدل برازش داده شده تحقیق و ضرایب مسیر آن مشخص شده است. همان طور که ضرایب مسیر نشان می‌دهد متغیر سرمایه اقتصادی دارای اثر مستقیم به میزان ۰/۰۳ بر متغیر وابسته مدارا است. اثر غیرمستقیم سرمایه اقتصادی بر متغیر وابسته مدارا از طریق متغیر مشارکت اجتماعی به میزان ۰/۰۰۷۷ است. اثر غیرمستقیم سرمایه اقتصادی بر متغیر وابسته مدارا از طریق متغیر مشارکت اجتماعی و اعتماد تعمیم یافته به میزان ۰/۰۰۸۴ است. اثر غیرمستقیم سرمایه اقتصادی بر متغیر وابسته مدارا از طریق متغیر اعتماد تعمیم یافته به میزان ۰/۰۱۸ است. بنابراین میزان اثر کل سرمایه اقتصادی بر میزان مدارا ۰/۰۵۶۵۴ است. به عبارت دیگر می‌توان گفت با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در میزان سرمایه اقتصادی افراد، میزان مدارای آنها به اندازه ۰/۰۴۸۸۴ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. در مجموع متغیر مستقل سرمایه اقتصادی به همراه دو متغیر واسطه‌ای مشارکت اجتماعی و اعتماد تعمیم یافته، ۶ درصد تغییرات مدارا در بین شهروندان را تبیین می‌کنند.

میزان کای اسکوئر مدل (۵۴۴۲/۰) و درجه آزادی آن (۳۱۸) می‌باشد. برای ارزیابی برازندگی الگوی معادلات ساختاری از چند شاخص استفاده می‌شود. در جدول شماره (۱۳) این شاخص‌ها آورده شده است.

جدول شماره ۱۰: شاخص‌های نیکویی برازش مدل

PGFI	AGFI	GFI	CFI	TLI	IFI	RFI	NFI
۰/۶۹۱	۰/۸۴۳	۰/۸۷۶	۰/۸۹۴	۰/۸۵۶	۰/۸۹۵	۰/۸۶۵	۰/۸۷۵

همان‌طور که مشاهده می‌شود شاخص‌های نیکویی برازش در حد قابل قبول بوده و نشان از برازش صحیح و مناسب مدل تحقیق دارد.



شکل شماره ۲: مدل برازش شده تحقیق

نتیجه گیری و پیشنهادها

این مطالعه با هدف بررسی میزان رابطه سرمایه اقتصادی با سازه مدارا در بین شهروندان شهر مشهد صورت گرفت. شاخص سرمایه اقتصادی با ابعاد منطقه محل سکونت، میزان درآمد، ارزش تقریبی املاک، جواهرات، وسیله نقلیه و اثاثیه منزل اندازه گیری شد. حدود نیمی از پاسخگویان در منطقه نیمه برخوردار سکونت داشته‌اند. بیش از ۵۰ درصد آنان درآمد کمتر از سه میلیون تومان دارند، نیمی از پاسخگویان ملک شخصی و وسیله نقلیه شخصی نداشته‌اند و ارزش تقریبی اثاثیه منزل خود را کمتر از ۱۰۰ میلیون تومان اظهار کرده‌اند. شاخص سرمایه اقتصادی نیز که از مجموع این ابعاد ساخته شده است به تبع نشان می‌دهد که حدود ۶۰ درصد پاسخگویان سرمایه اقتصادی کمی دارند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد میزان شاخص مدارا در بین شهروندان مشهدی در حد متوسطی است. و از میان ابعاد پنج گانه مدارا، مدارای فردی بالاترین و مدارای جنسیتی پایین‌ترین میزان

را در بین شهروندان داشته‌اند. بالاتر بودن دو بعد مدارای فردی و اجتماعی که هر دو به معنای پذیرش و تحمل ابراز نظر متفاوت در دو عرصه خصوصی و عمومی است نشانگر آن است که در شهری زائرپذیر همچون مشهد که افراد از اقصی نقاط کشور با آداب و رسوم گوناگون به آنجا سفر و یا مهاجرت می‌کنند مشکلی ایجاد نکرده و شهروندان می‌توانند به صورت مسالمت آمیز در کنار یکدیگر زندگی کنند. بعد مدارای جنسیتی که به معنای آن است که فرد در رابطه با جنسیت مخالف خود چگونه برخورد کرده و تا چه حد حاضر به پذیرش برابر جنس مخالف است، در بین سایر ابعاد مدارا، کمترین میانگین را داشته است. در این زمینه می‌توان گفت که غلبه ارزش‌های پدرسالارانه در جامعه، زنان را در ذیل مردان تعریف می‌کند و طبیعی است که مردان در موضع قدرت برتر مدارای مناسبی با زنان نداشته و همیشه از زنان انتظار می‌رود که تسلیم مردان باشند و اختلاف‌های بین زن و مرد را با برتری مرد حل نمایند. به عبارت دیگر، شهروندان مشهدی، افراد با علایق و سلیق و نظرات مختلف را راحت‌تر تحمل کرده ولی قادر به تحمل مناسب برابری بین زن و مرد نیستند. البته، زنان امروزه با تغییر در ساختارهای علمی و تکنولوژیکی و اقتصادی و اجتماعی جامعه صاحب قدرت چانه زنی بالایی شده‌اند، ولی هنوز هنجارها و ارزش‌ها و ساختارهایی که فرهنگ پدرسالاری را تقویت می‌کند وجود دارد و تضاد انتظارات بین زن و مرد در این زمینه موجب تعارض و ستیزهایی، حتی در بین افراد تحصیلکرده نیز شده است (آزاده و رجب‌زاده، ۱۳۸۹).

نتایج تحقیق نشان می‌دهد متوسط درآمد با همه ابعاد مدارا به جز مدارای مذهبی رابطه مثبت و معناداری دارد. بدین ترتیب با افزایش متوسط درآمد شهروندان میزان مدارای آنان افزایش می‌یابد. نتایج تحقیق دیما (۲۰۱۵) نیز نتایج تحقیق حاضر در زمینه رابطه مثبت بین درآمد و میزان مدارا را تایید می‌کند. آنچه از نظر ترکیب مدارا-درآمد اهمیت دارد، منحصراً سطح مطلق درآمد نیست، بلکه توزیع درآمد می‌تواند به عنوان یک متغیر اصلی در تعامل اجتماعی بین افراد و گروه‌های اجتماعی تلقی شود. سطح نابرابری درک شده (درک افراد از نابرابری بین اقشار مختلف اجتماعی) بعضی اوقات از نابرابری واقعی (برآورد عینی شکاف درآمدی) مهمتر است. ارزیابی فرد از موقعیت خود در فرآیندهای توزیع، می‌تواند در چگونگی شناسایی هویت خود و رفتار نسبت به دیگران تأثیر بگذارد. همچنین ممکن است بر نگرش آنها نسبت به افراد یا گروه‌هایی که «متفاوت» هستند (از نظر جنسیت، قومیت، فرهنگ، مذهب یا حتی رفتارها و ارزش‌های مشترک) تأثیر بگذارد. با این حال، ارزیابی ذهنی نابرابری لزوماً بر مدارای اجتماعی به روشی خطی تأثیر نمی‌گذارد. تا یک آستانه مشخص، این نابرابری می‌تواند به افزایش تحرک اجتماعی و در نتیجه ظهور مرزهای منعطف‌تر بین گروه‌های اجتماعی و تبادل فعال‌تر ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های آنها کمک کند. فراتر از چنین آستانه‌ای، رقابت برای توزیع و کنترل منابع اجتماعی ممکن است توافق گروه‌های مختلف درآمدی را تضعیف کند و روند عدم مدارا و طرد اجتماعی را افزایش دهد. در همین راستا شاهد وجود رابطه معنادار بین ارزش تقریبی املاک با

همه ابعاد مدارا و ارزش تقریبی جواهرات (که افراد به راحتی قادر به مقایسه خود با دیگران در این زمینه هستند) با همه ابعاد مدارا به جز مدارای مذهبی هستیم. شاخص سرمایه اقتصادی نیز با همه ابعاد مدارا رابطه مثبت و معناداری دارد. بنابراین می‌توان گفت با افزایش سرمایه اقتصادی، میزان مدارای شهروندان افزایش می‌یابد و برعکس. یافته‌های تحقیق (سالارزاده امیری، ۱۳۸۸) نیز نشان می‌دهد که سرمایه اقتصادی افراد تاثیر چشم‌گیری در شکل‌گیری و تغییر نگرش آنان دارد. در واقع برخورداری افراد از سرمایه اقتصادی، به چگونگی توزیع منابع در جامعه اشاره دارد. آنچه در یک جامعه باید از طریق سیاستگذاری اجتماعی توزیع شود سرمایه اقتصادی است. افراد با دستیابی به سرمایه اقتصادی برای انباشت سرمایه فرهنگی تلاش می‌کنند و لذا در این فرایند سرمایه اجتماعی خود را نیز افزایش می‌دهند. بنابراین اگر افراد در یک جامعه دسترسی برابر به سرمایه اقتصادی نداشته باشند خود به خود از دیگر منابع نیز محروم می‌شوند. هر چند شاید آنها با صرف زمان بیشتر و سرمایه گذاری برای انباشت سرمایه فرهنگی در طول چند نسل بتوانند در سلسله مراتب اجتماعی، تحرک قابل ملاحظه‌ای کسب کنند. البته نباید از نقش غیر قابل انکار مشارکت اجتماعی و اعتماد در بکارگیری سرمایه اقتصادی غفلت نمود. یافته‌ها در این زمینه حاکی از آن است که این دو متغیر میانجی، یعنی اعتماد تعمیم یافته و مشارکت اجتماعی، هر دو با مدارا و ابعاد آن دارای رابطه مثبت و معناداری هستند. بدین معنا که با افزایش میزان اعتماد تعمیم یافته و مشارکت اجتماعی شهروندان، میزان مدارا نیز در آنان افزایش می‌یابد. آلموند و وربا نیز در بحث فرهنگ مدنی، اعتماد را از لوازم فرهنگ دموکراتیک می‌دانند. نتایج تحقیق پرسل (۲۰۰۱) نیز نشان می‌دهد در شرایطی که امنیت اقتصادی برقرار است و لوازم فرهنگ مدنی همچون اعتماد بیشتر و انومی کمتر فراهم باشد میزان مدارای اجتماعی افزایش می‌یابد.

از دیگر یافته‌های تحقیق می‌توان به وجود رابطه مثبت و معنادار بین میزان سرمایه اقتصادی و میزان مشارکت اجتماعی شهروندان اشاره نمود. هانتینگتون و نلسون هم معتقدند که هر چه افراد به طبقه و پایگاه اجتماعی بالاتری تعلق داشته باشند از مشارکت اجتماعی بالاتری نیز برخوردارند (علی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۳۱). لرنر^۱ نیز عوامل اقتصادی را با مشارکت مرتبط می‌داند و افزایش شهرنشینی و تراکم مادی و اخلاقی را از لوازم مشارکت ارزیابی می‌کند. در همین راستا لیپ‌ست^۲ معتقد است استقرار نظام دموکراتیک با میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی بالا در جامعه‌ای فاقد اقتصادی پیشرفته، امری محال و دشوار است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۱۰۲). او در مورد اثر فقر بر مشارکت، معتقد است فقر، منجر به عدم اطمینان می‌شود، لذا حداقلی از امکانات اقتصادی اجتماعی و پول و وقت کافی برای مشارکت ضروری است. یافته‌های تحقیق

1. Lerner

2. Lipset

سفیری (۱۳۸۸) نیز نشان می‌دهد احساس بی‌قدرتی یکی از عوامل موثر در کاهش میزان مشارکت اجتماعی است.

یافته‌های برازش مدل تحقیق نشان داد با افزایش میزان مشارکت اجتماعی پاسخگویان، میزان اعتماد تعمیم یافته در آنان افزایش می‌یابد. نتایج تحقیق زارع (۱۳۹۱) و علی‌پور (۱۳۸۸) نیز حاکی از آن است که بین اعتماد تعمیم یافته و مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد. افراد مشارکت کننده در انجمن‌های گوناگون، به تبع این مشارکت، از اعتماد تعمیم یافته بیشتری برخوردار هستند. حضور افراد در این انجمن‌ها باعث می‌گردد شعاع اعتماد آنان از حد آشنایان و دوستان فراتر رود. همچنین یافته‌های برازش مدل در معالات ساختاری نشان داد اثر مستقیم سرمایه اقتصادی بر میزان مدارا ۳ درصد است اما با افزودن دو متغیر مشارکت اجتماعی و اعتماد تعمیم یافته به مدل در مجموع ۶ درصد تغییرات مدارای شهروندان تبیین می‌گردد.

در پایان می‌توان گفت اگر چه میزان مدارا و ابعاد آن در بین شهروندان مشهدی در سطح متوسط است اما از یک طرف، با توجه به روند نزولی قدرت خرید شهروندان و کاهش سرمایه‌های اقتصادی آنان و در نتیجه کاهش امکانات آنان برای مشارکت موثر در فضای جامعه مدنی و تاثیر آن بر میزان اعتماد بین شهروندان، و از طرف دیگر، افزایش نمایش ثروت در جامعه و روند رو به رشد مقایسه و چشم و هم چشمی در افراد، همواره خطر کاهش مدارا در بین شهروندان وجود دارد. از این رو با توجه به این که تاثیر سرمایه اقتصادی و سرمایه اجتماعی بر بهبود مدارا در بین شهروندان هم در این مطالعه و هم در مطالعات مشابه تایید شده است، ایجاد راه‌هایی برای بهبود وضعیت معیشت مردم و بالا بردن سرمایه اجتماعی ضروری است چرا که هر چه شهروندان جامعه از تراکم مادی و اخلاقی بیشتری برخوردار باشد و اعتماد تعمیم یافته بیشتر باشد، آستانه تحمل این جامعه بالاتر بوده و آسانتر می‌تواند دیگری مخالف را تحمل کند و مدارای اجتماعی چنین جامعه‌ای بیشتر است.

منابع

- ادیبی سده، مهدی؛ رستگار، یاسر؛ بهشتی، سید صمد (۱۳۹۲). **مدارای اجتماعی و ابعاد آن**، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۵۰، ص ۳۵۳-۳۷۶.
- افشانی، علیرضا (۱۳۸۱). **بررسی چگونگی تساهل سیاسی در تشکلهای دانشجویی**، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- افه کلاوس، (۱۳۸۵). **چگونه می توان به شهروندان اعتماد داشت؟**، در کتاب سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: نشر شیرازه، گردآوری کیان تاجبخش.
- آزاده، منصوره اعظم و رجبزاده، مریم (۱۳۹۲). **بررسی نقش آموزش آکادمیک زنان در نحوه مدیریت تعارض در زندگی زناشویی**، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، شماره ۵.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴). **دولت عقل: ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی**، تهران: موسسه نشر علوم نوین.
- بورديو، پيیر (۱۳۸۰). **نظریه کنش**، ترجمه مرتضی مردیپها، تهران: نقش و نگار.
- بهشتی، علیرضا؛ توسلی، غلام عباس؛ پورجوادی، نصرالله؛ جنتی، علی؛ صادقی، رشاد؛ نقیب زاده، علی اکبر و داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۶). **تساهل و تسامح**، نامه فرهنگ، شماره ۲۸، ص ۵۳-۲۲.
- بهشتی، سید صمد و رستگار، یاسر (۱۳۹۲). **تبیین جامعه شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی**، دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱۴، ص ۷-۳۶.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). **دموکراسی و سنت‌های مدنی (تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار)**، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر روزنامه اسلام.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۵). **سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه**، تهران: نشر شیرازه.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). **جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی**، تهران: نشر نی.
- حسین‌زاده، علی حسین؛ نواح، عبدالرضا و عنبری، علی (۱۳۹۰). **بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نزاع دسته جمعی (مورد مطالعه شهر اهواز)**، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، ۱۳(۲)، ص ۱۹۱.
- خجسته مهر، رضا؛ مژگان، داتلی بگی و عباس‌پور، ذبیح‌الله (۱۳۹۷). **آزمون مدل مدارا با رویکرد اسلامی در بافت زندگی زناشویی**، نشریه روانشناسی خانواده، ۵(۱)، ص ۵۷-۷۰.
- داسه، حاصل؛ صلاحی، ملک یحیی و توسلی رکن آبادی، مجید (۱۳۹۸). **مدارای سیاسی-اجتماعی در ایران معاصر چشم‌اندازی نظری به آسیب‌شناسی مفهومی و انضمامی**، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۶(۹۷)، ص ۳۵۷-۳۸۰.
- داوری، کورش و غفار احمدیان، مهربان سید (۱۳۹۲). **جرم‌شناختی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته جمعی در استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۹۰**، فصلنامه علمی مطالعات امنیت اجتماعی، ۴(۳۶)، ص ۵۷-۸۲.

- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). **لغت‌نامه**، تهران، دانشگاه تهران: موسسه لغت‌نامه دهخدا. دوره ۱۶ جلدی.
- رضوی، اشکان (۱۳۹۲). **مدارگری یا تساهل چیست؟** قابل دسترسی در: <http://www.hambastegi-iran.org>
- روزبهبانی، منیر؛ ساروخانی، باقر و پروین، ستار (۱۳۹۸). **بررسی جامعه‌شناختی مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و تسامح قومی در بین شهروندان تهرانی**، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال پنجم، شماره ۲۰، ص ۳۵۶-۳۱۳.
- زارع شاه آبادی، اکبر و نوریان نجف، محمد (۱۳۹۱). **بررسی رابطه اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد**، نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال یکم، شماره ۱، ص ۴۷.
- سادا ژاندرون، ژولی (۱۳۷۸) **تساهل در تاریخ اندیشه غرب**، ترجمه: عباس باقری، تهران: نشر نی.
- سالارزاده امیری، نادر و حسینی، سیدحسین (۱۳۸۸). **رابطه بین برخورداری از انواع سرمایه و نوع نگرش به عدالت اجتماعی**، فصلنامه علوم اجتماعی، پیاپی ۴۴، ص ۴۹.
- سراجزاده، سید حسین؛ شریعتی مزینانی، سارا و سیروس صابر (۱۳۸۳). **بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی**، نشریه علوم اجتماعی، ۱(۴)، ص ۱۰۹.
- سراجزاده، سیدحسین (۱۳۸۳). **چالش‌های دین و مدرنیته: مباحثی جامعه‌شناختی در دینداری و سکولارشدن**، تهران، انتشارات طرح نو.
- شارع‌پور، محمود؛ آزاد ارمکی، تقی و عسکری، علی (۱۳۸۸). **بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارای در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی**، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۱(۱)، ص ۶۴-۹۸.
- شریفی، سمیرا (۱۳۹۲). **مطالعه و بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی نوین در تغییر رفتار زنان در ایران در یک دهه اخیر**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات زنان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- شهریاری، بوالقاسم؛ خلیلی، محسن و اکبری، حسین (۱۳۹۵). **سنجش تساهل سیاسی و عوامل موثر بر آن نمونه پژوهی: دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد**، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۸(۵)، ص ۸۹.
- عسگری، علی؛ شارع‌پور، محمود؛ (۱۳۸۸) **گونه‌شناسی مدارای و سنجش آن در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی**، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۸، ص ۳۴-۱.
- فولادی، محمد (۱۳۷۹). **تساهل و تسامح از منظر دین**، فصلنامه معرفت، ش ۳۵.
- فیروزجائیان، علی‌اصغر؛ شارع‌پور، محمود و فرزام، نازنین (۱۳۹۵). **سرمایه فرهنگی و مدارای اجتماعی (آزمون مدل میمیک)**، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره یازدهم - شماره ۲، ص ۳۳-۶۴.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). **بنیادهای نظریه اجتماعی**، منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

- گراهام، گ. (۱۳۸۳). *مجموعه مقالات تساهل، کثرتگرایی و نسبی‌گرایی در مجموعه مقالات تساهل*، گردآورنده: دیوید هید، مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گلایی، فاطمه و رضایی، اکرم (۱۳۹۲). *بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان*، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره دوم، شماره ۱.
- گلشاهی، کریم (۱۳۷۷). *مقدمه کتاب نامه‌ای در باب تساهل*، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *تجدد و تشخیص*، ناصر موفقیان، تهران: انتشارات نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰). *پیامدهای مدرنیته*، محسن ثلاثی، تهران: انتشارات مرکز.
- لاک، جان (۱۳۷۷). *نامه‌ای در باب تساهل*، ترجمه شیرزاد گلشاهی کریم، تهران، نشر نی، چاپ اول.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹). *بررسی زمینه‌های مشارکتی روستائیان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی*، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
- معین، محمد (۱۳۸۵). *فرهنگ معین* (یک جلدی فارسی)، تهران: زرین.
- نظام بهرامی، کمیل (۱۳۸۱). *گفت و گو در اندیشه یورگن هابرماس*، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۱، (پیاپی ۱۳)، ص ۸۹-۱۰۸.
- نظری، جواد (۱۳۸۶). *تبیین جامعه‌شناختی میزان گرایش به نزاع دسته جمعی در استان ایلام*، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.
- هابرماس، یورگن (۱۳۷۹). *کنش ارتباطی بدیل خشونت*، ترجمه: ابراهیم سلطانی، مجله کیان، ش ۴۵، ص ۱۵۷-۱۵۹.
- Ananina, V., & Danilov, D. (2015). Ethnic tolerance formation among students of Russian universities: current state, problems, and perspectives. *Social and Behavioral Sciences* 214. p: 487 – 496.
- Audretsch, D. B., Seitz, N., & Rouch, K. M. (2018). Tolerance and innovation: the role of institutional and social trust. *Eurasian Business Review*, 8(1), 71-92.
- Bellah, R. N., & Sullivan, W. M. (1981). Democratic culture or authoritarian capitalism? *Society*, 18(6), 41-50.
- Bjørnskov, C. (2004). Inequality, Tolerance, and Growth. Department of Economics, *Aarhus School of Business*.
- Brown, K. (2006, January). Aspects of comparative active citizenship. In Australia and New Zealand Third Sector Research: Eighth Biennial Conference: Navigating new waters (pp. 1-37). *Australia and New Zealand Third Sector Research*.
- Cigler, A., & Joslyn, M. R. (2002). The extensiveness of group membership and social capital: The impact on political tolerance attitudes. *Political Research Quarterly*, 55(1), 7-25.
- Colesante, R. J. (1997). Narrative and Propositional Approaches to Promoting Moral and Political Tolerance (Doctoral dissertation, University at Albany, Department of Educational Psychology and Statistics).

- Corcoran, K., Crusius, J., & Mussweiler, T. (2011). Social comparison: Motives, standards, and mechanisms. In D. Chadee (Ed.), *Theories in social psychology* (pp. 119–139). Oxford: Wiley-Blackwell.
- Corneo, G., & Jeanne, O. (2009). A theory of tolerance. *Journal of public economics*, 93(5-6), 691-702.
- Dijker, A. J., & Koomen, W. (2007). *Stigmatization, tolerance and repair: An integrative psychological analysis of responses to deviance*. Cambridge University Press.
- Dima, B., & Dima, Ş. M. (2016). Income distribution and social tolerance. *Social Indicators Research*, 128(1), 439-466.
- Djupe, P. A., & Calfano, B. R. (2012). American Muslim investment in civil society: Political discussion, disagreement, and tolerance. *Political Research Quarterly*, 65(3), 516-528.
- Florida, R. (2006). The flight of the creative class: The new global competition for talent. *Liberal Education*, 92(3), 22-29.
- Galeotti, A. E. (2001). Do we need toleration as a moral virtue?. *Res Publica*, 7(3), 273-292.
- Gellner, E. (1994). *Conditions of liberty: Civil society and its rivals*. Hamish Hamilton Ltd.
- Goldschmidt, V. (1974). Social Tolerance and Frustration. *International Journal of Sociology*, 3(3-4), 147-163.
- Habermas, J. (1984). *The Theory of Communicative Action. Vol1, Lifeworld and System: A Critique of Functionalist Reason*. Boston: Beacon Press.
- Hazama, Y. (2010). *Determinants of political tolerance: A literature review*, Institute of developing economies, Jetro.
- Larsen, L., Harlan, S. L., Bolin, B., Hackett, E. J., Hope, D., Kirby, A., ... & Wolf, S. (2004). Bonding and bridging: Understanding the relationship between social capital and civic action. *Journal of Planning Education and Research*, 24(1), 64-77.
- Lee, F. L. F. (2014). Tolerated one way but not the other: Levels and determinants of social and political tolerance in Hong Kong. *Social Indicators Research*, 118(2), 711–727.
- Leonard, M. (2004). Bonding and bridging social capital: Reflections from Belfast. *Sociology*, 38(5), 927-944.
- Lyness, D. (2006). *Teaching Your Child Tolerance*, Available at: <<http://www.kidshealth.org/essay/Tolerance.html>>.
- McLaren, L. M. (2003). Anti-immigrant prejudice in Europe: Contact, threat perception, and preferences for the exclusion of migrants. *Social forces*, 81(3), 909-936.
- Paas, T., & Halapuu, V. (2012). Attitudes towards immigrants and the integration of ethnically diverse societies. *Eastern Journal of European Studies*, 3(2).
- Misztal, B. (2013). *Trust in modern societies: The search for the bases of social order*. John Wiley & Sons.
- Persell, C.H., Green, A. & Gurevich, L. Civil Society, Economic Distress, and Social Tolerance. *Sociological Forum* 16, 203–230 (2001).

- Phelps, E. W. (2004). White students' attitudes towards Asian-American students at the University of Washington: A study of social tolerance and cosmopolitanism (Doctoral dissertation, New York University).
- Porter, M. E., Stern, S., & Green, M. (2015). Social progress imperative index 2015. Social progress imperative/social progress network. <http://www.socialprogressimperative.org/publications>. Accessed September 22, 2014
- Raihani. (2014). Creating a culture of religious tolerance in an Indonesian school. *South East Asia Research*, 22(4), 541-560.
- Schult, J. (2008). The Influence of Social Capital and Tolerance on Democratic Performance.
- Shi, Y., & Peng, D. (2014). Dynamics of social tolerance in the economic interaction model with three groups. *Applied Economics Letters*, 21(10), 665-670.
- Tabellini, G. (2010). Culture and institutions: economic development in the regions of Europe. *Journal of the European Economic association*, 8(4), 677-716.
- Triandis, H. C. (1996). The psychological measurement of cultural syndromes. *American psychologist*, 51(4), 407.
- UNESCO (1995). Declaration of Principles on Tolerance, at: <http://www.unesco.org/cpp/uk/declarations/tolerance.pdf>
- Volhardt, J. Miggacheva, K. & Tropp, L. (2008). Social cohesion and tolerance for group difference, Handbook on building culture of peace.
- Wise, J. & Driskell, R. Soc Indic Res (2017) 134: 607. <https://doi.org/10.1007/s11205-016-1449-4>
- Yeates, O. D. (2007). Tolerating on Faith: Locke, Williams, and the Origins of Political Toleration (Doctoral dissertation, Duke University).